

طور د بگذرد اسباب تعطیل وقت بشود و با آخر خواهد رسید و باز مجدداً محتاج شویم خوب است عوضه نفر را بفرمائید معین بکنند تا اینکه آن کمیسیون بتواند کار خود را انجام داده راپورت بدهد .

رئیس - ۳ فقره تقاضا شده است راجع بدستور ولی چون عده کافی نیست برای رأی گرفتن نمی توانیم داخل در مذاکره شویم و آن دستور را که بنده عرض کردم عده آنوقت کافی بود قبول کردند و بمذلول ماده نظامنامه ممکن است که مجلس هر وقت بخواهد دستورش را تغییر بدهد می دهد همان آقایانیکه تقاضا کرده اند می توانند تقاضای خودشان را تکرار بکنند تا رأی گرفته شود جزء دستور شود

[مجلس مقارن به فریب ختم گردید]

جلسه ۲۲۴

صورت مشروح روز پنجشنبه

۱۴ ربیع الاولی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و ۲۰ دقیقه قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل شد .

صورت جلسه روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود .

(غائبین جلسه قبل)

آقای حسنعلی خان بی اجازه .
حاج وکیل الرعایا . صدرالعلماء . بهجت با اجازه .

آقا شیخ محمد حسین . معتمد التجار . آقا سیدجلیل . آقامیرزا محمد صادق طباطبائی . آقا سید حسین اردبیلی . حاج محمد کریم خان - مرتضی قلی خان بختیاری . آقا عبدالحسین . نیر السلطان سردار اسعد - آقامیرزا رضاناظینی . آقامیرزا رضای مستوفی در موقع مقرر حاضر نشده اند آقا سید محمد باقر ادیب مریض بودند

رئیس - ملاحظاتی هست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - قبل از اینکه بعضی از عرایض به عرض نمایندگان محترم برسد در باب صورت مجلس بنده خودم یک عرضی دارم که لازم است محض اطلاع عرض بکنم در صورت مجلس نوشته می شود که ماده ۳۵ یا ۳۷ راپورت کمیسیون تصویب شد ولیکن این ترتیب صحیح نیست ماده ۳۵ کمیسیون یا ۳۵ پیشنهاد وزیر وقتی سندیت پیدا می کند که در جزو خود صورت مجلس نوشته شده باشد ولی از طرف دیگر قرائتش در مجلس اسباب اتلاف وقت است این طور قرار داده ایم که تمام موادی که از مجلس می گذرد بطور ضمیمه میشود بصورت مجلس منضم شود علاوه بر این در موقعی که رای علنی با اوراق میگیریم اسامی موافقین و مخالفین هم نوشته خواهد شد ولی البته خوانده نخواهد شد همین طور ضمیمه میشود بصورت مجلس تا اینکه در وقتی که لازم باشد به آن رجوع شود ولی بعد از آنکه روزنامه رسمی دائر شد موافق نظامنامه داخلی در روزنامه رسمی البته نوشته شود قبل از این که داخل

دستور شویم تلگرافی از انجمن ایالتی آذربایجان رسیده قرائت میشود .

(تلگراف مذکور بمضمون ذیل قرائت شد)
مقام منیع دارالشورای ملی شیدالله ارکانه کیه به پیشگاه والا حضرت اقدس نیایب السلطنه دامت شوکت - خطابه جان بخش والا حضرت یگانه دانشور ایران توسط تلگرافخانه مبارکه زیارت شد چون مصداق ان من الی بیان سحر آ بود بر قلوب افسرده عامه ملت حیات تازه بخشید چنانچه امید ایرانیان خصوص آذربایجان در ورود والا حضرت نیایب سلطنت روشنائی افق سیاسی ایران و نجات ایرانیان بود ورود طهران اثرات خود را بخشید مجلس شورای ملی که کمپه آمال است مثل پارلمانهای دنیا تحصیل اکثریت ثابته نموده و آزادی کفتر را دارا و فرق مخدله سیاسی مجلس صورت نوعیه یافته از ترتیب سابق و تعطیلات متمادیه محفوظ کشته بطوری که ملاحظه مذاکرات مجلس مقدس بخوبی نشان می دهد خطابه مقدسه که اساس اجرای قانون اساسی و دستور حفظ استقلال ایران ربقاء اسلام است قلوب عموم طبقات ملت را مرحم جراحتهای کونا کون انقلاب چند ساله گردیده قلوب نزدیک بیاس را آیه لا تقنطوا خوانده - کویا ملت آذربایجان و تمام اثر مقدسه مشروطیت را نایل کشته با دمال امیدواری وجدیت از مقام منیع مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه خواستارند که والا حضرت نیایب السلطنه محل اطمینان عامه ایرانیان از حیث امانت و دیانت و علم و مشروطه خواهی است و مسلماً طبیب حاذق ایران هستند و امراض را هم تشخیص داده از نمایندگان محترم تشکر داریم که در انتخاب آن ذات معظم ملاحظه آن نکات راعم رعایت افکار عموم ملت فرمودند امید که با تعلیمات لازم و رراء و کلاء را راهنمایی فرموده و در هر موقع اشکالات و معایب مملکت را خاطر نشان و کلامی محترم فرموده و بانشار ورقه مخصوص در موقع مشکل ملت را بر مصالح خود واقف فرمایند و نمایندگان محترم اکثریت ثابته مجلس را چنانکه عقیده عموم ملت است معتنا به قرار داده اگر حزبی بدان اکثریت تجاوز کنند جد امانت نمایند و با کمال فعالیت با راهنمایی والا حضرت نیایب سلطنت نواقص قوانین را تتمیم و مجلس سنا را که جناح ثانی در عروج بمعارض سماعت و نیکی بخنی است هر چه زودتر تشکیل نموده رفع بسیاری از محاورات نمایند و با جدیت تمام اشرار و مفسدین را از هر طبقه باشد سیاست سخت و قاعده تروریزم را جداً دفع فرموده و عموم ملت را با کمال شوق و شغف حاضر اطاعت احکام دولت مشروطه متبوعه خود دانسته و در اجرای اوامر نیایب سلطنت با جان و مال منتظر ایما بدارند و برای مذاقه انتخاب چنانکه اشاره فرموده اند ملت همه روزه مشغول مذاکرات و ترتیبات خواهند بود و این نکته را نگفته نمیگذاریم که مقصود اهالی آذربایجان و قاطبه ایران از این مذاکره ها و جان بازی ها که تحصیل مشروطیت و سماعت ملت است این ملت که دولت مستقله ایران را در عنوان مشروطه نگاهداری نموده و نگذارند با استقلالش ذره ای آسیب برسد تا در سایه آن حقوق بشریه

تمام ایرانیان محفوظ مانده و شرایع مقدسه اسلام ترویج و منکرات و مناهای اسلامیه متروک و مهجور گردد و اهالی آذربایجان با کمال عجز و الحاح فرق سیاسی مجلس مقدس و عموم علمای اعلام و سران و سرکردگان و روسای بلاد و عشایر و ایلات و تمام طبقات اهالی ایران را بحقوق اسلامیت و نام ایرانیت و تمام مقدسات قسم داده و خواهانند که از صمیم قلب مطویات خطابه مقدسه را پیروی نموده در حفظ استقلال ایران و ترویج شرایع اسلام بکوشند زیرا برای هر جاهل و عوام چه رسد به دانایان پر واضح است که این خطابه سفینه نجات ایران است من ر کبها نجی و من تخلف عنها فرق و از خداوند عز اسمه خواهانند که آن یگانه امید را موفق بادای و وظایف مقدسه نیایب سلطنت مشروطه و حفظ بیضه اسلام و استقلال ایران و ترویج مذهب اثنا عشری و نگهداری حقوق عامه ملت و امنیت و آسایش افراد رعیت بدارد و این مروضات نتیجه حیات عمومی است که بعد از طبع و انتشار خطابه مبارکه مجلس عالی در مسجد جامع با حضور علماء و اعیان و تجار و مجاهدین و اصناف دانجمن ایالتی و اهالی نظام و ایالت جلیله قرائت شده از همانجا به عرض میرساند - التماس آخری که در این موقع از طرف عموم ملت درخواست میشود تدارک وسائل وفا به عهد نظامی روسی است بتمهیدی که اول از طرف جنرال قونسلوگری آن دولت بهیه شده است که بواسطه طول مدت اقامت آنها اثر افسردگی فوق الطافه از عموم طبقات ظاهر است امید است سروری که مقتضی ایام نوروزی است بجزکت عاجل ایشان از آذربایجان بحسن توجه اولیای امور تکمیل شرد سنه ۱۳۲۵ انجمن ایالتی رئیس - مذاکرات در این باب نخواهد شد قبل از آنی که داخل دستور شویم راپورنی از کمیسیون عرایض رسیده است خوانده میشود و بدون مذاکره رای میگیریم .

(بعبارت ذیل خوانده شد)

راپورت کمیسیون عرایض - چهارده ربیع -

الاولی ۱۳۲۹

عریضه آقای حسن علی خان نماینده محترم در خصوص کسالت مزاج خودشان و استدهای سه ماهه اجازه مرخصی جهت عزیمت به (ویانه) برای اصلاح حال قرائت بعد از مذاکره تصویب شد مجدداً توضیحاتی از بابت ایشان داده شد که کمیسیون مرخصی دومامه ایشان را با اکثریت تصویب نموده بسته برای مجلس مقدس است

رئیس - آقایانی که بار راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی موافق هستند یعنی دومامه مرخصی را برای آقای حسنعلی خان تصویب می فرمایند قیام نمایند .

[اغلب قیام نمودند]

رئیس - با اکثریت ۴۹ رأی از [۶۸] نفر تصویب شد .

دستور جلسه امروز اولاً همان قانون اساسی وزارت معارف - و دوم قانون ثبت اسناد خواهد بود آن روز عرض کردم که چون وزراء اطلاع

نداده اند که کمی برای مذاکره در پروگرام حاضر خواهند شد هر روز که حاضر شدند همان روز جزء دستور خواهد شد و امروز اطلاع داده بودند که تشریف خواهند آورد ولی چون تشریف نیاورده اند حالا شروع میکنیم بتأیید اساسی معارف هروقت وزراء حاضر شدند اگر مجلس تصویب کرد داخل میشود بمذاکره در پروگرام .

ارباب کیخسرو - کویا وزراء تشریف آورده اند .

رئیس - تشریف آورده اند که می توانند تشریف بیاورند . خاطر آقایان را مسیوق میکنم که ابتیاعون اساسی معارف است که از طرف وزارت معارف پیشنهاد شده است یک قانونی که مشتمل بود بر صدونه ماده پیشنهاد شده بود و کمیسیون بعضی اصول و مواد را که جزء نظام نامه داخلی می دانسته است حذف کرده است و یک لایحه که دارای بیست و هشت ماده است پیشنهاد کرده اند دو فقره اصلاح در ضمن شور اول پیشنهاد شده و راپورت آنرا هم کمیسیون معارف داده است حالا شروع میکنیم بماده اول .

ماده اول مکتب و مدرسه عبارت از تأسیساتی است برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی اینها نوع دایر میگردد .

[گفته شد در مرتبه بخواهند]

رئیس - بنده که اطلاع داده بودم که امروز این جزء دستور خواهد بود (مجدداً قرائت شد) .

رئیس - مخالفی نیست ؟ آقایانی که باین ماده بترتیبی که خوانده شد موافق هستند قیام نمایند [اغلب قیام نمودند]

رئیس - با اکثریت ۵۷ رأی از هفتاد نفر تصویب شد .

ماده ۲ - پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین میگردد و باید در پروگرام حیثیت علمی و صنعتی و تشوونمای بدنی محفوظ باشد

رئیس - مخالفی نیست ؟ آقایانی که باین ماده بترتیبی که خوانده شد موافقت قیام نمایند [اکثریت شد]

رئیس - با اکثریت ۴۲ رأی از هفتاد نفر نمایندگان تصویب شد .

ماده ۳ - تعلیمات ابتدائیه برای عموم ایرانیان اجباری است .

رئیس - آقایانی که با این ماده موافقت قیام نمایند .

(غلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۶۱ رأی از ۷۰ نفر نمایندگان تصویب شد .

ماده چهارم - طریق تحصیل آزاد است لکن هر کس باید آن اندازه معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدائی معین نموده دارا باشد .

حاج سید ابراهیم - بنده آن کلمه آخرش را میخواهم عرض کنم لکن هر کس باید آن اندازه معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدائی معین نموده تحصیل کند دارا باشد صحیح نیست .

دکتر علیخان - بهمان شکلی که نوشته شده مقصود را میفهماند .

رئیس - اگر مخالفی نیست این لفظ را تغییر بدهیم (مع اصلاح باین قسم قرائت شد)

ماده چهارم - طریق تحصیل آزاد است لکن هر کس باید آن اندازه معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدائی معین نموده تحصیل کند .

[هیئت وزراء آمدند]

حاجی امام جمعه - باید آقای مخبر توضیح بدهند که طریق تحصیل آزاد است یعنی چه یعنی هر قسم علمی را در مدارس میشود خواند .

دکتر علیخان - برای داشتن تصدیق مدرسه ابتدائی دولت یک پروگرامی معین خواهد کرده چه اندازه مثلاً از مندرجه حساب و قیصر بخواهند حالا طرز تحصیل فرق می کند ممکن است یک کسی بیقانون بیکی تربیت دیگر در مدرسه خودش درس بدهد یا یکی از فلان کتاب فرق نمی کند مثل این است که آن مقداری را که دولت معین کرده است باید آن اندازه رادار باشد حالا طرز تحصیل اگر میل معلم بیکی طور طرز دیگر باشد برای دولت فرق نمی کند .

رئیس - رای می گیریم آقایانی که باین ماده موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت ۴۵ رأی از ۷۱ نفر تصویب شد .

ماده ۵ - هر کس مکلف است اطفال خود را از سن هفت به تحصیل معلومات ابتدائیه وادارد اعم از اینکه در خانه یا در مدرسه باشد .

حاج سید ابراهیم - این ماده کویا مقابل ماده ششم وزیر است در آن جا یک قیدی دارد که این جا ذکر نشده است خوب است ذکر شود اینجا مینویسد که هر کس بخواهد در منزل خود موافق پروگرام رسمی وزارت معارف تحصیل کرده باشد آزاد است ویس از امتحانات معینه رسمیه از برای مراتب مدارس و مکاتب در مرتبه خود پذیرفته می شود - این قید آخرش که اگر در خانه تحصیل کرد پس از امتحان دادن در مدارس متوسطه دولتی پذیرفته می شود آن را خوب بود قید کنند و نشده است .

دکتر علیخان - بنده تجدید می کنم که به چه وجه کمیسیون این قید را لازم میدانند .

ادیب التجار - [هر کس مکلف است] این کلمه را بنده قانونی نمیدانم (باید) ماها این مکلفیم که اولاد خودمان را تربیت میکنیم هزار سال است کرده ایم تا یک لفظ (باید) یا مجبور است لازم است (مکلف است) البته تمام ماها تا حالا مجبور بوده ایم که اولاد خودمان را تعلیم کنیم و نکرده ایم خوب است یا (باید) یا مجبور است ملحق بفرمائید .

رئیس - تفاوتی نمیکند این هم همانطور می فهماند .

حاج شیخ الرئیس - این جا می نویسد اطفال این هم شامل ذکور است هم اناث مقصود چیست دیگر اینکه از سن هفت یعنی داخل با اصلاح مجاکم عدلیه ، هر گاه جایز از حدی

سن هفت بشود یا هفت سال تمام بشود این عبارت قاصر است آن را توضیح بفرمائید .

دکتر علیخان - مقصود از اطفال معین است از هر دو جنس است اناث و ذکور هر دو و آن مطلبی که فرمودید نظر کمیسیون از ابتدای سن هفت سال است حالا اگر لازم است تصریح بشود بسته برای مجلس است .

رئیس - مذاکرات کافی است رای میگیریم به ماده پنجم آقایانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با اکثریت ۶۰ رأی از هفتاد نفر نمایندگان تصویب شد .

۱- اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت .

۲- تشکیل اردو های سیار و ساختن در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که به مجلس پیشنهاد شده است .

۳- حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متجا به .

۴- تعقیب استقراضی که کابینه سابق به مجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مابیه گذشته است .

۵- پیشنهاد بقیه بودجه کل .

۶- شروع به اصلاحات مابیه با مستخدمین خارجه

۷- تجدیدنظر در مالیات نمک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بر دولت و اهالی حاصل شده است .

۸- تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک اوابیح قوانین موقتی در موردی که هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن از مجرای خود نیست - لوابیح مزبوره فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید بقای این هیئت تاروقتی است که هیئت شورای دولت دائر شود .

۹- اصلاح عدلیه بان تدارک ترتیبات مقدماتی که لوابیح آنرا وزیر عدلیه موافق ماده (۸) این پروگرام بکمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد .

۱۰- اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور اجرای پروگرام متحد در کلیه مدارس تأسیس مدرسه دارالمعلمین در طهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد .

۱۱- توجه بامر تجارت - گذراندن قانون شرکتها - پیشنهادهای اطافهای تجارتی .

۱۲- پیشنهاد اصلاح قانون بلدیه .

رئیس - این لایحه در واقع شازنده مطلب رامتنضم است چهارمطلبش در مقدمه نوشته شده است خاطر آقایان را مسیوق میکنم که این پروگرام را نمی توانیم مطابق لوابیح قانون رأی بگیریم در لوابیح قانونی باید ماده بنده خوانده شود بعد از شور از یک ماده بیک ماده دیگری بگذریم بعد از آن که در تمام مواد رأی گرفته شد مجدداً یک رأی کلی در تمام مواد بگیریم ولی اینجا باید هر یک از مواد را مذاکره کنیم بعد از آنکه تمام شد یک رأی در کلیه این لایحه بگیریم - در اختیارات نامه که ماده اول است آقای هشتودی مخالف هستند .

هشتودی - بنده چنانچه عرض کردم و اجازه خواسته ام در هیچیک از مواد این پروگرام مذاکره نخواهم کرد بلکه خیلی لازم میدانم که آن مواد در این مملکت فعلاً اجرا شود و به مقام اجرا گذاشته شود ولی از آنجائی که تاریخ و تجربه بهم نشان

قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمحاکم اداره مجری دارد در صورتیکه نمایندگان محترم بامقدمه فوق الذکر موافقت کاملاً داشته باشند پروگرام ذیل بمجلس شورایی پیشنهاد می شود و چون باخطری که وطن عزیز را تهدید میکند فقط فداکاری حاضر خدمت شده و کار مملکت را مهمتر از آن میدانم که بدفع الوقت و مسامحه بگذرد - لهذا هر آن که تصویب مجلس نسبت به هیئت وزراء منظور نشود - اشتغال مستند وزارت را خیانت دانسته استغای خود را تقدیم خواهیم کرد .

۱- اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت .

۲- تشکیل اردو های سیار و ساختن در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که به مجلس پیشنهاد شده است .

۳- حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متجا به .

۴- تعقیب استقراضی که کابینه سابق به مجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مابیه گذشته است .

۵- پیشنهاد بقیه بودجه کل .

۶- شروع به اصلاحات مابیه با مستخدمین خارجه

۷- تجدیدنظر در مالیات نمک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بر دولت و اهالی حاصل شده است .

۸- تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک اوابیح قوانین موقتی در موردی که هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن از مجرای خود نیست - لوابیح مزبوره فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید بقای این هیئت تاروقتی است که هیئت شورای دولت دائر شود .

۹- اصلاح عدلیه بان تدارک ترتیبات مقدماتی که لوابیح آنرا وزیر عدلیه موافق ماده (۸) این پروگرام بکمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد .

۱۰- اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور اجرای پروگرام متحد در کلیه مدارس تأسیس مدرسه دارالمعلمین در طهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد .

۱۱- توجه بامر تجارت - گذراندن قانون شرکتها - پیشنهادهای اطافهای تجارتی .

۱۲- پیشنهاد اصلاح قانون بلدیه .

رئیس - این لایحه در واقع شازنده مطلب رامتنضم است چهارمطلبش در مقدمه نوشته شده است خاطر آقایان را مسیوق میکنم که این پروگرام را نمی توانیم مطابق لوابیح قانون رأی بگیریم در لوابیح قانونی باید ماده بنده خوانده شود بعد از شور از یک ماده بیک ماده دیگری بگذریم بعد از آن که در تمام مواد رأی گرفته شد مجدداً یک رأی کلی در تمام مواد بگیریم ولی اینجا باید هر یک از مواد را مذاکره کنیم بعد از آنکه تمام شد یک رأی در کلیه این لایحه بگیریم - در اختیارات نامه که ماده اول است آقای هشتودی مخالف هستند .

هشتودی - بنده چنانچه عرض کردم و اجازه خواسته ام در هیچیک از مواد این پروگرام مذاکره نخواهم کرد بلکه خیلی لازم میدانم که آن مواد در این مملکت فعلاً اجرا شود و به مقام اجرا گذاشته شود ولی از آنجائی که تاریخ و تجربه بهم نشان

قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمحاکم اداره مجری دارد در صورتیکه نمایندگان محترم بامقدمه فوق الذکر موافقت کاملاً داشته باشند پروگرام ذیل بمجلس شورایی پیشنهاد می شود و چون باخطری که وطن عزیز را تهدید میکند فقط فداکاری حاضر خدمت شده و کار مملکت را مهمتر از آن میدانم که بدفع الوقت و مسامحه بگذرد - لهذا هر آن که تصویب مجلس نسبت به هیئت وزراء منظور نشود - اشتغال مستند وزارت را خیانت دانسته استغای خود را تقدیم خواهیم کرد .

۱- اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت .

۲- تشکیل اردو های سیار و ساختن در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که به مجلس پیشنهاد شده است .

۳- حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متجا به .

۴- تعقیب استقراضی که کابینه سابق به مجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مابیه گذشته است .

۵- پیشنهاد بقیه بودجه کل .

۶- شروع به اصلاحات مابیه با مستخدمین خارجه

۷- تجدیدنظر در مالیات نمک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بر دولت و اهالی حاصل شده است .

۸- تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک اوابیح قوانین موقتی در موردی که هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن از مجرای خود نیست - لوابیح مزبوره فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید بقای این هیئت تاروقتی است که هیئت شورای دولت دائر شود .

۹- اصلاح عدلیه بان تدارک ترتیبات مقدماتی که لوابیح آنرا وزیر عدلیه موافق ماده (۸) این پروگرام بکمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد .

۱۰- اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور اجرای پروگرام متحد در کلیه مدارس تأسیس مدرسه دارالمعلمین در طهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد .

۱۱- توجه بامر تجارت - گذراندن قانون شرکتها - پیشنهادهای اطافهای تجارتی .

۱۲- پیشنهاد اصلاح قانون بلدیه .

رئیس - این لایحه در واقع شازنده مطلب رامتنضم است چهارمطلبش در مقدمه نوشته شده است خاطر آقایان را مسیوق میکنم که این پروگرام را نمی توانیم مطابق لوابیح قانون رأی بگیریم در لوابیح قانونی باید ماده بنده خوانده شود بعد از شور از یک ماده بیک ماده دیگری بگذریم بعد از آن که در تمام مواد رأی گرفته شد مجدداً یک رأی کلی در تمام مواد بگیریم ولی اینجا باید هر یک از مواد را مذاکره کنیم بعد از آنکه تمام شد یک رأی در کلیه این لایحه بگیریم - در اختیارات نامه که ماده اول است آقای هشتودی مخالف هستند .

هشتودی - بنده چنانچه عرض کردم و اجازه خواسته ام در هیچیک از مواد این پروگرام مذاکره نخواهم کرد بلکه خیلی لازم میدانم که آن مواد در این مملکت فعلاً اجرا شود و به مقام اجرا گذاشته شود ولی از آنجائی که تاریخ و تجربه بهم نشان

قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمحاکم اداره مجری دارد در صورتیکه نمایندگان محترم بامقدمه فوق الذکر موافقت کاملاً داشته باشند پروگرام ذیل بمجلس شورایی پیشنهاد می شود و چون باخطری که وطن عزیز را تهدید میکند فقط فداکاری حاضر خدمت شده و کار مملکت را مهمتر از آن میدانم که بدفع الوقت و مسامحه بگذرد - لهذا هر آن که تصویب مجلس نسبت به هیئت وزراء منظور نشود - اشتغال مستند وزارت را خیانت دانسته استغای خود را تقدیم خواهیم کرد .

۱- اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت .

۲- تشکیل اردو های سیار و ساختن در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که به مجلس پیشنهاد شده است .

۳- حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متجا به .

۴- تعقیب استقراضی که کابینه سابق به مجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مابیه گذشته است .

۵- پیشنهاد بقیه بودجه کل .

۶- شروع به اصلاحات مابیه با مستخدمین خارجه

۷- تجدیدنظر در مالیات نمک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بر دولت و اهالی حاصل شده است .

۸- تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک اوابیح قوانین موقتی در موردی که هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن از مجرای خود نیست - لوابیح مزبوره فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید بقای این هیئت تاروقتی است که هیئت شورای دولت دائر شود .

۹- اصلاح عدلیه بان تدارک ترتیبات مقدماتی که لوابیح آنرا وزیر عدلیه موافق ماده (۸) این پروگرام بکمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد .

۱۰- اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور اجرای پروگرام متحد در کلیه مدارس تأسیس مدرسه دارالمعلمین در طهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد .

۱۱- توجه بامر تجارت - گذراندن قانون شرکتها - پیشنهادهای اطافهای تجارتی .

۱۲- پیشنهاد اصلاح قانون بلدیه .

رئیس - این لایحه در واقع شازنده مطلب رامتنضم است چهارمطلبش در مقدمه نوشته شده است خاطر آقایان را مسیوق میکنم که این پروگرام را نمی توانیم مطابق لوابیح قانون رأی بگیریم در لوابیح قانونی باید ماده بنده خوانده شود بعد از شور از یک ماده بیک ماده دیگری بگذریم بعد از آن که در تمام مواد رأی گرفته شد مجدداً یک رأی کلی در تمام مواد بگیریم ولی اینجا باید هر یک از مواد را مذاکره کنیم بعد از آنکه تمام شد یک رأی در کلیه این لایحه بگیریم - در اختیارات نامه که ماده اول است آقای هشتودی مخالف هستند .

هشتودی - بنده چنانچه عرض کردم و اجازه خواسته ام در هیچیک از مواد این پروگرام مذاکره نخواهم کرد بلکه خیلی لازم میدانم که آن مواد در این مملکت فعلاً اجرا شود و به مقام اجرا گذاشته شود ولی از آنجائی که تاریخ و تجربه بهم نشان

قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمحاکم اداره مجری دارد در صورتیکه نمایندگان محترم بامقدمه فوق الذکر موافقت کاملاً داشته باشند پروگرام ذیل بمجلس شورایی پیشنهاد می شود و چون باخطری که وطن عزیز را تهدید میکند فقط فداکاری حاضر خدمت شده و کار مملکت را مهمتر از آن میدانم که بدفع الوقت و مسامحه بگذرد - لهذا هر آن که تصویب مجلس نسبت به هیئت وزراء منظور نشود - اشتغال مستند وزارت را خیانت دانسته استغای خود را تقدیم خواهیم کرد .

۱- اتخاذ وسایل لازمه برای تکمیل امنیت .

۲- تشکیل اردو های سیار و ساختن در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که به مجلس پیشنهاد شده است .

۳- حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متجا به .

۴- تعقیب استقراضی که کابینه سابق به مجلس پیشنهاد کرده و از تصویب کمیسیون قوانین مابیه گذشته است .

۵- پیشنهاد بقیه بودجه کل .

۶- شروع به اصلاحات مابیه با مستخدمین خارجه

۷- تجدیدنظر در مالیات نمک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بر دولت و اهالی حاصل شده است .

۸- تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک اوابیح قوانین موقتی در موردی که هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن از مجرای خود نیست - لوابیح مزبوره فقط بتصویب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید بقای این هیئت تاروقتی است که هیئت شورای دولت دائر شود .

۹- اصلاح عدلیه بان تدارک ترتیبات مقدماتی که لوابیح آنرا وزیر عدلیه موافق ماده (۸) این پروگرام بکمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد .

۱۰- اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور اجرای پروگرام متحد در کلیه مدارس تأسیس مدرسه دارالمعلمین در طهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد .

۱۱- توجه بامر تجارت - گذراندن قانون شرکتها - پیشنهادهای اطافهای تجارتی .

۱۲- پیشنهاد اصلاح قانون بلدیه .

رفت در هر جا که باشد ناظر خواهم بود مقصود این است که خودشان این را باید ملتفت باشند بنده هم یکی از نظار هستم و عرض کردم آنچه از وجوه نقدی ملت است آنرا همچو مصرف بکنند مثل آنکه مال خودشان است همانطور که درجانی که ضرور باشد و آن هم ضرور شرعی نه اینکه مثل اینکه يك دفعه مال خودش را میل کرد که بيك مصرفی که خدا نکرده ممنوع است صرف بکنند مال ملت را در يك چنان مجلسی مصرف نکنند چطور که مال خودش را يك دينار تلف نمی کند مال دولت را هم همان طور مصرف بکنند اگر مال دولت را بهر ای نفس اگر چه پنجاه دينار یا صد دينار هم باشد مصرف نکنند بنده یکی از نمایندگان هستم راضی نیستم ولی در وقت لزومش پنجاه هزار تومان هم مصرف بکنند معذرتند هم پیش خدا هم پیش خلق بلکه در اعمال قوای عسکریه واسلحه آن هم من طور بساید این وقت ها را هیئت اجتماعه بکنند آن وقت معذور می شوند هم پیش خدا و هم پیش خلق سهل است و بنده می خواهم عرض بکنم که در آن وقت افضل عبادات را این آقایان و وزراء کرده اند و عرض می کنم که افضل تمام خدمات است که هر کس می خواهد بکند از همه بالاتر است من باب مثل می توانم عرض بکنم مثل آن شمشیر هائی است که علی ابن ابیطالب در بلندی اسلام و در اهلا و دین اسلام زد اینهم از همین قبیل است آنوقت مال دولت قوه عسکریه دولت را هم اعمال بکنند بنده هیچ احتیاط ندارم ولی عرض کردم با آن هیئت اجتماعه خودشان بدو ملاحظه یکی آن دیگری را چون شاید یک وقتی آن یکی بگوید چرا من بگویم او بگوید نظر دارد که این جور بشود و ملاحظه بکند که چرا من بگویم اینطور نباید بشود باید ملاحظه ملت را بکنند مال ملت را بجای خود مصرف بکنند دیگر اینجای ملاحظه نیست که بنده بگویم این را ملاحظه بکنند بنده که عرض میکنم اختیار میدهم این شرط اختیار میدهم به اینطور که عرض کردم اگر هیئت اجتماعه قبول کردند بنده یکی از آن اشخاصی هستم که از جانب موکلین خود آلان اجازه میدهم و اگر نه از بنده هیچ متوقع نباشد که اجازه بدهم و سهل است خودشان را خائن این مملکت خواهم دانست .

رئیس - نماینده محترم در ضمن نطق يك لفظی را بیان کردند که نباید در پارلمان استعمال بشود استدعا دارم که در ضمن نطق الفظی که در پارلمان نمیشود استعمال کرد دیگر استعمال نفرمایند

حاجی عز الممالک - اینجا فقط چیزی که بنظر خیلی بزرگ می آید اختیارات نامه است و به اعتقاد بنده این مسئله این قدرها مهم نیست بدلیل اینکه فقط این نامه راجع است به ترورسیم و اطلاعاتی که در این دوره جدید مانده است این باید ملاحظه بکنیم که در اینجا بروز کرده است یعنی فقط این ترورسیم بوده است که آزادی همه چیز ما را تهدید کرده است پس به این دلیل دفع این نامه اختیار تمام ام هر چه بوزراء بدهیم خیلی کم است و باید با کمال قدرت به آنها همه نوع اختیاری داد تا اینکه دفع این قوه را بکنند بنده چون این مسئله را از بدیهات میدانم با وجود اینکه قانون وضعی

بدست وزراء نداده ایم که از روی آن رفع اینمواد فساد را بکنند و نمی توانند بوجوب این قوانین مطالب خودشان را اجرا بکنند بنده بکنم اختیار میدهم که دفع مواد فساد را بهر شکلی که میدانند و مقتضی است بکنند امنیت جانی و مالی که نص قانون اساسی است که برای تمام ماها نباید باشد تمام در حقیقت نقض شده است و نقض این از دست ترورسیم بوده است اطلاعاتی که در این دوره دیده داریم اگر یکی یکی بخواهم شرح بدهم اسباب طول کلام خواهد شد پس بنده که هیچ انتقادی غیر از قوای مشروع ملی ندارم و هیچوقت نمی خواهم اتکال باین نوع مطالب داشته باشم با کمال جدیت اختیار تمام میدهم باینکه دفع ترور را البته با اختیار تمام بهر شکلی که میتواند بکنند و گمان میکنم که هر کس هم در این خصوص نتواند مخالفت بکند و عقیده ام این است که بهر درجه و لباسی که انسان بخواهد مخالفت بکند همراهی با ترور است پس بنده با کمال افتداز آن فرمایشی را که آقای هشتتودی فرمودند رد می کنم بجهت این که وزرائی که طرف اعتماد اکثریت مجلس است و ما اختیارات خودمان را می دهیم بهستان ها آنها هیچ وقت اعمال غرض نخواهند کرد معلوم است که آقایان وزراء دفع ترور می کنند و متعرض بنده و امثال که هیچ وقت داخل اینگونه کار ها نبوده ایم نخواهند شد و بیشتر از این در این ماده لازم بهما کرده نمی دانم .

هشتتودی - بنده توضیح دارم دفع ترورسیم را بنده عرض کردم که عده سلب استقلال مملکت می دانم ولی شرط را که بنده کرده ام این بود که این را بدست مأمورینی بدهند که آن مأمورین ساختمان آلوده هیچ غرض و تهمتی نباشد اگر مخالف این شرط شده است که بنده خیلی فریب می دانم .

رئیس - مقصود بنده يك لفظی بود که نمی بایست مکرر شود .

محمد هاشم میرزا - اگر چه با مذاکراتی که آقا شیخ اسمعیل کردند اصراری نداشتم که اظهاری بکنم و اولاً باید استدعا بکنم که سایرین که بعد نطق خواهند فرمود اینطور اعتراض نکنند برای اینکه عقیده وکیل آزاد است و بدهم در باب ترورسیم حرفی نیست اگر حرفی هست در باب ترتیب اجرای اوست هر کس ایرادی داشته باشد یا موافق یا مخالف نه در مدح ترورسیم نه در مذم آن هیچ عاقلی گمان ندارم که تعریف بکند که ترورسیم خوب چیزی است یا ترور خوب آدمی است یا لااچ است ولی این ترتیب مثل این که بعضی که منبر می گویند حکماً باید گریه کنی اگر گریه نکنی بجهنم میروی یا اگر گریه نکردی حلال زاده نیستی این که نمیشود زانی خواهد گریه بکند غیر بنده بجمیع لغاتی که در ذم ترور است بهمه آن لغات اگر مجلس وقت داشت ذم میکردم و عرض میکنم که پارسال اوایی که کابینه اول تشکیل شد تا مدتی بهمان وظائفی که برای دولت

بود مشغول بودند و هیچوقت هم محتاج به اختیار تام نشدند تا این اواخر که اختیار تام خواست و مجلس رأی نداد و کابینه استعفا داد در کابینه دوم آقای مستوفی الممالک مسئله اختیار تام را پیشنهاد کرد در آن وقت آقایان و کلا خیلی اعتراضات کردند که اختیار تام یعنی چه اختیار تام مطلق که معنی ندارد باید تشریح کنند تا از روی آن رأی داده شود چند ماده پیشنهاد کردند یکی در خلع اسلحه و چند ماده دیگر که الان در نظر ندارم بالجمله مذاکره شد و آن پیشنهاد ها را قبول کردند بعد هم در اجرای شرحی بود که آقای هشتتودی ذکر کردند بنده نمی خواهم آن را تکرار کنم این دفعه يك چیزی بران افزوده شده است که عملی ای نحو کان باشد و همانطور که آقای حاج عز الممالک فرموده اند آن هم بهر جهت دو سه درجه بالاتر است نهایت لغتی نداشته اند که عرض آن استعمال کنند و عملی ای نحو کان را جوش انداخته اند بنده عرض میکنم از این دوسه مسئله که درین مدت تماشا کرده ام و آقایان وزراء کرده اند چه تصور می کنم که قانون اساسی که عهدنامه ای است که حدود ملت و دولت را نسبت بیکدیگر معین می کند گمان میکنم که آن مقدار حقوق را نمیدانند برای اجرای وظایف خودشان اگر این مقصود است اختیارات تمام در هیئت دولت و در باب قانون اساسی اگر حرفی است اختیارات ما بیرون است باید با عموم ملت مذاکره کنیم آن درجه اختیارات را گمان نمی کنم موکلین ما بما داده باشند که ما بتوانیم اختیار تمام بدهیم اگر مخالف قانون اساسی اختیار تام بدهیم باید مواد قانون اساسی نقض بشود بجهت اینکه ترورسیم بدست اما تشخیص ترورسیم که ترورسیم است يك فاعله ای ندارد که بشناسند این يك ترتیبی نباید داشته باشد حالا عدلیه معین بکنند يك چیزی بنویسد عدد نفر شهادت بدهند که این ترورسیم است یا اینکه يك چیزی بنویسند که قسم بخورد که تو ترورسیم هستی یا نیستی اگر قسم خورد که بنده ترورسیم نیستم و نش بکنند یا بیرون آموال و زندگانی او را اگر ترورسیم بوده آنوقت آن قانون را در حقش اجرا بکنند به اعتبار ما قبل و اگر در حالش دیدند که دوسال دیگر ترورسیم خواهد شد مجازاتش بکنند به اعتبار ما بعد اما آن اختیارات نامه در باب دفع اینها به ای نحو کان آن طوری که اینجا نوشته شده است که عبارت از دفع مواد فساد باشد که واقعا اسباب تزلزل این مملکت است تمام این مواد را بنده تصدیق می کنم یکی از چیزهای عمده ای که در این مملکت پیدا شده از ارسال تابه حال و مانع اجرای قوانین همه چیز شده است تمام اینها عمده اش از مواد فساد و ترورسیم بوده است اگر آقایان وزراء تشریح بفرمایند که چه اندازه است که بنده رد یا قبول کنم مثل اینکه کابینه سابق نوشتند که در چه ماده و چند ماده و اقلا تاچه اندازه ایشان هم اقلا این را توضیح بدهند تا اینکه بنده بدانم و بینم که می توانم رأی بدهم در آن یا نه می توانم ولی به این طور که نوشته شده است به این اجمال بنده تصور نمی کنم کسی قبول کند

همانطوری که آقای حاج عز الممالک تصور نمیکرد که کسی رد کند .

حاج شیخ الرئیس - بنده ناگزیرم يك مقدمه ای عرض کنم بعد نتیجه را و آن این است که هیچ شبهه ندارد که با کمال تأسف در پروگرام وزراء و نهادشان چرا هم چون اتفاق افتاده است که دفع مواد ترورسیم را اول ماده قرار داده اند و این را نتیجه آن تهاونی میدانم که در آن موقع مجلس مقدس يك اختیاری داد بنده تقدیس میکنم آن را این را که در آن موقع قریب اتفاق در این مجلس دادند و از جمله رأی دهندگان یکی خود بنده بودم و اگر آن اختیار تام در آن موقع بآن طوری که منظور نظر نمایندگان محترم بود اجرا میشد امروز این ماده در پروگرام وزراء داخل نبود یعنی مهمات دیگر در نظر می گرفتند و تقدیم مجلس میکردند بنده با آن تجربه ای که حاصل کرده ام می توانم رفع شبهه بعضی از نمایندگان را بکنم که آن روز پیش از آنکه امنیت حاصل بکنیم و درست به اتفاق و افکار و نظرات و اخلاق وزراء یا آن کسانی که واسطه اقدام مقاصد وزراء هستند چنانچه آقای مومنان الملک رئیس که در همان روز این نکته را فرمودند و بنده همیشه متذکرم که فرمودند نباید مجلس بکرائی رادر موقع التهاب و حرارت بدهد بجهت اینکه چه بسا هست که بشیمان میشود و بنده خودم تصدیق میکنم که خودم برای راد حال القابلی دادم و بدهم تقدیس میکنم آن رأی را فقط يك تبعیضی بمیان آمد که آنهم از سوء استعمال بعضی مأمورین جزء بود که بالاخره نتیجه آن تبعیض بقای ماده ترورسیم شد که کم نشو و نما کرده است که حالا تهدید میکند تمام استقلال و اساس مملکت را و بنده خاطر نشان میکنم که این ترور از همان مجاهدینی بود که بمملکت ما آمدند و تصدیق می کنم که بدست همین اشخاص ترورسیم خیلی خدمت و مساعدت با آزادی شده است اما خاطر نشان آقایان می کنم از لشکر اسلامی لشگری مقدس تر و از رکاب مبارک پیغمبر رس ربانی اقدس و مقدس تر نبوده است در همان رکاب مبارک هم اشخاصی بودند که بطورهای دیگر و بعال غیر اسلامی داخل می شدند چنانکه خود پیغمبر فرمود « یؤید الله هذا الدین برحس کافری » بنابراین يك وقتی هم استفاده کرده ایم و تصدیق هم می کنم ولی حالا مثل این که يك طیب حاذقی در يك موردی برای علاج يك مرض سعی را از کسیون بکند و بعد از آنکه آن آسایش حاصل شد دیگر بدیهی است که آن رسم را استعمال نخواهد کرد و امروز بنده از میکروب وبا و طاعون که اطبای مجلس آنهمه اقدامات برای جلوگیری آن کردند لااثرتر می دانم که وزراء و کلا به هیچ وظیفه و هیچ مهمی دخالت نکنند تمام همشان را دفع مواد ترورسیم بدانند و اینکه بعضی از آقایان اشکال می کنند در دادن این اختیار بنده خیلی تعجبی نمی کنم اما آن آقایانی که بر حسب وجدان و آزادی عقیده خودشان امنیت بهیئت وزراء دادند مکلف اند به عقیده

خودشان عمل کنند ولی بنده متعجبم از کسانی که اظهار اعتماد و امنیت باین وزراء کردند و خودشان این وزراء را کاندیدا کرده اند و ملتفت این مطلب نیستند که اذن در شیشی ، اذن در لوازم شیشی است وقتی که بنده اطمینان بخداقت و درستکاری يك طبیبی داشتم در خانه ام می نشینم می گویم آنکار را درست بکنند و با آن مرض را علاج کنند بنده متعجبم شوم از جانب وزراء که ابدأ تبعیض نکنند و پاره ای اغراض و ملاحظات را اعمال نکنند یا پاره ای مسائل مستقیمه یا غیر مستقیمه را داخل این عنوان نکنند و بنده از طرف خودم اختیار تام بلکه اتم و فوق الاتم هم می دهم .

وحید الملک - بنده مکرراً عرض کردم که اساس مذاکرات پارلمانی در اصول است نه در اشخاص باید اشخاص را کنار گذاشت و به اصول پرداخت خوب است مذاکرات با يك خون سردی بشود تا این که مطالب بخوبی و سهولت حل شود دیگر آنکه بنده بعضی یادداشت ها کرده ام و از روی آن یادداشت مطالب خود را عرض می کنم و از آن آقایانی که جواب بنده را می فرمایند استدعا میکنم که همین طور یاد داشت بکنند تا اینکه مطابق یاد داشت های بنده جواب فرموده باشند دیگر خوب است خود آقایان وزراء هم بعضی از اظهارات بفرمایند بعضی اوقات می بینم که بعضی لغتها در کتاب سیاسی مواضع ایجاد می شود یعنی خلق الساعه است و کیف مایشاء می آید بمیان خودمان قبل از این که آنها را بفهمیم و درست تأمل کنیم و معنی آنها را بسنجیم - می چسبیم به آنها و آنها را به میان می آوریم یکی از آنها اختیار تام است که مدتی است در کتاب لغت سیاسی ما وضع شده است و ما هم که اینچنان شده ایم خروار خروار غریب ال فرمال این را می بخشیم بدون اینکه بدانیم چه می دهیم و برای چه میدهم و ما چه هستیم و برای چه اینچنان شده ایم آقایان ما هیئت مقننه ایران هستیم و از روی این قانون اساسی که دارای (۵۱) اصل و (۱۰۷) اصل در متمم آن اینچنان شده است و خودمان را مجلس شورای ایران اسم گذاشته ایم غیر از این نیست اگر غیر از این است بفرمایند پس وجود خارجی ما روی همین قانون اساسی که دارای ۱۰۸ اصل است قائم گردیده حالا بیائیم در این قانون اساسی که اساسنامه ماست غور بکنیم بنده چهار مرتبه از یر بروز تا بحال این قانون را خوانده ام و تقریباً تمام مواد آن را حفظ کرده ام پس عرایضی که میکنم تمام از روی مطالعه است و از روی چیزی است که اینجا ثبت است در اصل ۲۶ قانون اساسی قوای مملکت را ناشی از ملت میدانند و طریقه استعمال آن را منوطی میکنند اصول قانون اساسی و دیگر بقیه را از طریق این که برای استعمال این قوا در این قانون است هیچ طریقه ای از برای استعمال آن نیست بعد از آن در اصل (۲۷) همین قوا بمملکت را که ناشی از ملت میدانند و طریقه استعمال آنرا منوط میکنند به اصول قانون اساسی و به قسمت منقسم میکنند قوه مقننه قوا را بر این قوه قضائیه . حقوق و

اختیارات ما که در اینجا نوشته ایم یعنی حقوق آقایان و کلا در اصول ذیل مصرح میشود غیر از اینهم هیچ حقی بما که نماینده نمایندگان ملت هستیم داده نشده است اصل ۱۶ و ۱۷ در تدوین قوانین مملکتی است اصل (۱۷) در ایجاد و باساخت قوانین اصل (۱۸) در جرح و تعدیل بوجه (۱۹) در تقسیم ایالات (۲۱) در قوانین اساسی وزارت خانه ها و (۲۲) و (۲۳) و (۲۴) راجع به بستن عهد نامه ها و امثال آن (۲۵) در استقرار دولتی (۲۶) و (۲۷) و (۳۰) راجع است بپاره ای تکالیف دیگر که اصل (۳۳) از متمم قانون اساسی راجع به تحقیق و تفحص در امور مملکتی در هر يك از این اصول حقی و یا تکلیفی برای مجلس شورای ملی معین شده ولی در هیچ یک کدام از این اصول اختیار تام و قوت قانون به ماها یعنی بمجلس شورای ملی که در اصل [۲۶] آنرا بگفته ناشی از ملت دانسته و طریقه استعمال آنرا منوط باین قانون اساسی کرده اعطاء شده است حقوق و اختیارات مقام سلطنت در بیست اصل از اصل [۳۵] تا اصل (۵۵) از قانون اساسی است پس مقام سلطنت شما هم هیچ قوه زخودش ندارد - حقوق و اختیارات و مسئولیت قوه مجریه را هم که آقایان وزرائی که در جلو نوشته اند باشند در اصول ۲۷ تا ۳۱ از خود قانون اساسی و اصل (۶۰) و (۶۴) و (۶۷) و (۶۸) از متمم قانون اساسی مندرج و مصرح و محدود و معین گردیده یعنی در نه اصل از خود قانون اساسی و متمم آن و اصل (۲۶) از متمم قانون اساسی قوای این آقایان را هم معلوم کرده است خارج از این نه اصل دیگر هیچ قوای این آقایان ندارند پس از این رو معلوم میشود که نه مجلس شورای ملی اختیاری تام یعنی مافوق آنچه که در قانون اساسی مصرح است دارا است نه قوه مجریه میتواند خارج از آنچه که در این نه اصل و خارج از حدود قانون اساسی تقاضا و یا استعمال قوه نمایند مخصوصاً وقتی که قانون اساسی حدود هر يك از این قوا را بانضمام مقام سلطنت محدود و مشخص می نماید اصول را که راجع است به حدود قوه قضائیه یادداشت کرده ام ولی چون خارج از موضوع است عرض نمیکنم در مقابل این حدود حقوق ملت ایران که مصدر و محل جریان این قواست ثلاثه است در اصل (۱۵) از متمم قانون اساسی ضمانت کرده میشود یعنی از اصل هشتم تا اصل ۲۴ حقوق ملت ایران ذکر و معین شده است بموجب این اصول جان و مال مسکن و شرف افراد ایرانی از هر نوع تعرض مصون و در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق اند و غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچ کس را نمیتوان فوراً دستگیر کرد مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه و در آن صورت هم باید گناه متضر فوراً یا منتها در ظرف بیست و چهار ساعت به احوال و شمار بشود این اصول قانون اساسی مملکت شما عرایض بنده هم از روی اصول محکمه همین قانون اساسی است .

حاج شیخ اسدالله - همه ماها قبول داریم اصول قانون اساسی را .

وحید الملک - حکم و اجرای هیچ مجازاتی درباره احدی نمی شود مگر بموجب قانون منزل

و مسکن هر کس در امان است و هیچ یک از ایرانیان را نمی توان نفی بلد یا مجبور به اقامت محل معینی نمود چنین است مفاد قانون اساسی ما راجع به حقوق ملت ایران که مرکز جریان امور مملکتی و قوه قضائیه که در شرف راجع استند بیندند یا خواهند بست و مقام سلطنت پس معلوم شد که قانون اساسی لفظ اختیار نام را لغو نکرده معنی میداند و بهیچ جانی در قانون اساسی اختیار تام داده نشده است تا این که ما خورار خورار غریب غریب به بخشش و بعد هم بگوئیم هر کس منکر باشد طرفدار یک چیز است یا طرفدار یک چیز دیگر در کاغذی که حضرت رئیس الوزراء در اینجا خواندند اذعان فرموده بودند که شاید اطلاعشان از قانون کامل نیست ولی بنده عرض می کنم آن کسانی که این پروگرام را نوشته اند باید اطلا قانون های اساسی خارجه را خوانده باشند مخصوصاً قوانین اساسی فرانسه را مطالعه کرده باشند برای این که تمام مقدمه این پروگرام را از ماده هفت و هشتم و نه قانون اساسی فرانسه گرفته اند بموجب اصل هفتم قانون اساسی فرانسه به محض حس بی-بلوا و حدود اغتشاش دولت حکومت نظامی یا (اتادوسین) اخطار می کند و قوای پلیس و ژاندارم مبدل میشود به قوای نظامی و کسانی که محل نظم و آسایش میشوند و برضد حکومت اقدام و هيجان میکنند در محاکم نظامی استنطاق شده محکوم میشوند .

افتخار الواعظین - قوانین اساسی فرانسه در اینجا مطرح نیست موضوع مذاکره پروگرام هیئت وزراء است .

وحید الملک - این اخطار از وظیفه رئیس است حضرتعالی وقتی که بکرسی ریاست نشستید این اخطار را بفرمائید و وقتی که اینجا آمدید بر علیه بنده فرمایشات خواهید فرمود بنده عرض می کنم دو وقت و کیل می تواند هر صحبتی بکند یکی وقتی که پروگرام مطرح است یکی وقتی که در بدوچه مذاکره می شود - بموجب اصل نهم از قانون اساسی فرانسه که این مقدمه از آنجا گرفته شده است بعد از اخطار حکومت نظامی حقوق ذیل بشون داده می شود .

- ۱- حق دخول و تجسس در منازل و مساکن مظنون
- ۲- توقیف اسلحه و تجسس کسانی که در خارج حوزه حکومت نظامی مسکن دارند .
- ۳- نظم و ضبط اسلحه کسانی که در حوزه حکومتی مسکن دارند .
- ۴- توقیف و جلوگیری از کلیه مطبوعات که می توان حمل به اختلال نظم و تولید اغتشاش نمود همین چهار فقره است که از اصل نهم قانون اساسی فرانسه گرفته شده است که این حقوق را قانون اساسی فرانسه به حکومت فرانسه می دهد ولی آقایان می دانند که در وقتی که در دیوان محاسبات گفتگو می شد عرض کردم که ماخذ قانون اساسی ما قانون اساسی بلژیک است که آن هم ماخذش قانون انگلیس و امریکایی باشد و در آنجا ما قوه فوق العاده (اتادوسین) و حکومت نظامی داده نمیشود و اگر در قانون اساسی بلژیک هم باشد در قانون اساسی ما با خلی دقت و ملاحظاتی این را حذف کرده اند ولی بنده

قبل از این که چنین تشدداتی را در ایران لازم بدانم هیئت دولت را نصیحت می کنم اگر چه سن بنده سن نصیحت نیست ولی نصیحت می کنم هیئت دولت را به آن جمله ای که خودشان در همین مقدمه نوشته اند که این قدرتی را که دولت دارد یعنی قدرتی را که قانون اساسی به او می دهد بطور کافی اعمال نشده است و از این جهت است که قوتوری به انتظام امور راه یافته است که آن به آن در تزیین است و آتی مملکت را تهدید میکند و بنده این جمله را خیلی بخوبی می دانم و عقیده ام این است که تمام آن قدرتهائی که این هشت اصل از قانون اساسی بدولت می دهد اجرا نشده است محض این است که دولت بر چرخهای خودش سوار نشده است نه اینکه با اینکه قانون نیست و چنانچه عرض کردم در صورتی که به این خوبی خود هیئت وزراء در مقدمه پروگرام خودشان تصریح کرده اند که برای این قوه را استعمال کرده اند ما را به این حالت امروری انداخته اند و حال مملکت ما را اینطور دچار هرج و مرج کرده اند دیگر بنده نمی دانم چه جای اختیار خواستن است این هرج و مرج امروزه مملکت ما بواسطه این است که تابعال آن قوه قانونی اعمال نشده است و آن مجازات قانونی را در موارد جنحه و جنایات اجرا نکرده اند اگر سارقین و قاتلین و قطاع الطریق را مانند نایب حسین ها رشیدالسلطانها و محرکین آنها را قلع و قمع میکردند و راضی نمی شدند به این که قتل مظلومین بی مجازات بمانند یا بی استنطاق بدون اینکه کسی خبردار بشود رها بکنند کار مملکت به اینجا نمی کشید خوب است دولت قبل از این که تاسی بمواد هفتم و هشتم و نهم قانون اساسی فرانسه بجوید و بخواهد حکومت نظامی تقاضا کند جاوی مأمورین خودش را می گرفت و آنها را در تحت دستبندی می آورد که مأمور نظامی شما بزور اداره مالیه شماره در تحت محاصره در بیارود رئیس مالیه شما را مثل سگ در خیابانها عقب سر خودش بکشد .

حاج شیخ اسدالله - رئیس تلگرافخانه .
وحید الملک - این راشما می خواستید

تعقیب بکنید بعد از آن که اولیای امور سهل انگاری کردند و بتکالیف اولیه خود عمل نکردند و در اجراء قوانین موضوعه تکامل نمودند امور مملکتی بحالت زار امروری افتاده است - هیئت دولت می گوید که سلامت مملکتی اس اساس تمام قوانین است بنده عرض میکنم اجرای قوانین اس اساس سلامتی مملکت است و تقاضای اختیار تام در چنین موقعی باعث ناهت و کدورت و سوء ظن ها در آتی خواهد شد و هیچ تردیدگری ندارد - دیگر اینکه نه فقط قواء سه گانه را قانون اساسی تجزیه کرده بلکه حدود حقوق و تکالیف هر یک را هم تعیین میکنند و محض تاکید در جلوگیری از مواد هفت و هشتم و نه قانون اساسی فرانسه میگوید که تاسیسات مشروطیت تعطیل بردار نیست یعنی چه ؟ یعنی (اتادوسین) و امثال آن و اعلان حکومت نظامی ممکن نیست برای اینکه بواسطه اعلان قانون نظامی بعضی تاسیسات مشروطیت تعطیل می شود تعطیل تاسیسات مشروطیت هم جزاً

و کلا جایز نیست بلکه محض تاکید در حفظ اصول آزادی و ندمت مشروطیت و رفاهیت حال ملت که هرگز جریان قواء مملکت است بموجب اصل ۳۶ متمم قانون اساسی تصریح میکند که قوای مملکت که ناشی از ملت است طریقه استعمال آنرا قانون اساسی معین مینماید یعنی آنها را نمی توان گوی چوگان میدان سیاسیون و احزاب قرارداد - و دیگر اینکه هیچ طریقه ای برای جرح و تعدیل و یا تغییر اصلی از اصول قانون اساسی معین نشده است یعنی بهیچوجه مانی قوانین دست برنیزم بیک اصلی از اصول قانون اساسی و اگر هم چنین چیزی شده بود در یک و از این اصول ذکر میشد پس مجلس شورای ملی نمی تواند حکمیت بر قانون اساسی داشته باشد حاکم قانون اساسی نیست مخلوق است نه خالق قانون اساسی و فقط این مجلس اینطور است بلکه هر هیئتی که بعد بیاید حاکمیت بر قانون اساسی نمی تواند داشته باشد و باید وجود خود را منوط بستمه بقانون اساسی دانسته تبعیت او را در همه بشناسد قانون اساسی حکم و اجرای هیچ مجازاتی را مخالف قانون تصویب نمیکند و یک عده اشخاص را مجاز نخواهد کرد و به میل شخصی خود و کبف مایشاء و به ای نحوگان که در اینجا ذکر شده است با خلق خدا و ملت مظلوم ایران بازی میکنند این طور نمیتوان بازی کرد بعد از آن که معلوم شد که اختیار تام و به ای نحوگان در کتاب افت قانون اساسی مایافت نمی شود و بطریق کسب مایشاء اختراع شده است می آید - بر سر مطالب آن چیست ؟ آن در این جا

رفس مواد فساد و ترور ریسم است بنده معنی را که خود آقایان برای این کلمه در پرا تتر کرده اند عرض میکنم سه معنی کرده اند رفع مواد مخالف مشروطیت مثل اینکه تمام موادی که در ایران هست تمام موافق است با مشروطیت - دویم مغل آسایش بلاد و اهالی مانع حسن جریان امور دولت - این سه معنار کرده اند از برای مواد ترور ریسم و از ما که هیچ قوه نداریم اختیار تام میخواهند گویا فراموش کرده ایم که مشروطیت این مملکت هنوز قسمتی که باید ریشه در اعماق مملکت نماندیده است و بدبختانه مواد موافق مشروطیت هنوز خیلی کم است بلکه نادر است و از آن طرف مواد مخالف مشروطیت اطراف ما را گرفته است - اخلاق مردم بوضع قدیم میمانده نمی توانیم منکر این مسئله بشویم که باتکامل و ترقی تدریجی باید اخلاق مردم از اوضاع قدیمه برگشته متعادل بطرف مشروطیت گردد و موادی بشود که موافق مشروطیت پس طریق مامشات و راه رفتن با مردم که اس اساس مطالب اساسی است نباید از دست داده شود و یک کابینه اعتدالی تیشه بر ریشه ملت بزند پذیرفتن بلکه تشویق کردن از موادی که مغل آزادی و آسایش بلاد و اهالی بدبختانه یک مسئله است که دولت ما تا بحال آنرا حل ننموده است و باید دانست که حکومت آن قسمتی از مملکت که برای حفظ نظم و حقوق و حدود افرادی و اشترای کی ملت تاسیس میشود جمع مابین ضدن در هیچ جای دنیا ممکن نیست بجز در ایران که ممکن است که حکومت با کسانیکه علناً بتریک از فساد میکنند عمده اختلافات برای اختلاف امور مملکت می بندد و تلگرافات به اطراف میفرستد که دمساز شوند یک عده بایک عده دیگر میخواهم از آقایان وزراء سؤال کنم که ائتلاف ثلاثه عشایر جنوب

را از چه نظری نگاه میکنید آیا این موافقت را اتفاق سه گانه آلمان و اطریش و فرانسه ملاحظه میکنید یا اینکه فی الحقیقه بایک حالت وحشتناکی بآن نگرسته و این ائتلاف را منافی استقلال مملکت می دانید آیا دولت خبر دارد که شیخ خزعل خان - وزیر داخله - دولت قبل از اینکه دست بکار بزند نمیتواند طرف این اعتراضات واقع بشود .

آدینه محمدخان - شما در پروگرام حرف بزنید بشیخ خزعل خان چه کار دارید .

وحید الملک - شما حق ندارید این اعتراض را بنده بکنید .

آدینه محمدخان - شما هم حق ندارید این حرفها را بزنید .

رئیس - اخطار میکنم بجناب عالی که در ضمن نطق در پروگرام نباید استیضاح خواست

وحید الملک - بنده هم قبول میکنم - پس بموجب عرایضی که عرض کردم فهمیدیم که از روی قانون اساسی نه فقط اختیار مابلیکه اختیارات قوای سه گانه مملکت تماماً ناشی از ملت است و در مقابل

آتهم حقوقی از برای ملت معین شده است که اس اساس آزادی و رفاهیت عموم و مشروطیت مملکت است و ما بهیچ قسم نمی توانیم پیشنهاد هیئت وزراء را که در مقدمه شده است قبول نکنیم یعنی نداریم و اگر اختیاری میداشتیم آنوقت شاید بنده هم مثل آقای هشتودی حرف میزدیم که میدهم یا اینکه نمی دهم تا اینکه آقایان وزراء اینکارها را بکنند و در خود این امور هم بنده بهیچ وجه عرایضی نمی کنم که آقایان الحقیقه مواد فساد است که جلوگیری میکنند از بهتر بودن جریان امور در ایران یا اخیر و باقی عرایض خود را بنده موقوف میدارم و همانطور که عرض کردم اگر آقایان وزراء درست در عرق قوانین موضوعه داخل بشوند و رأی خود را از امروز بر این قرار بدهند که آن قوانین موضوعه را فی الحقیقه بموقع اجرا بگذارند آنچه گذشته است از امروز بعد اگر این کار را بکنند بنده عقیده ام این است که امور مملکتی در کمال خوبی اداره خواهد شد و دولت هم بهیچ ترس و بیمی از هیچ ماده چه ماده فساد چه ماده اصلاح نخواهد داشت و مواد فساد هم هر چه باشد در مقابل دولت نمی تواند کاری از پیش ببرد .

رئیس الوزراء - کدام است ؟

وحید الملک - و چنانچه عرض کردم باز هم تکرار میکنم که اجرای قوانین اس اساس سلامتی مملکت میدانم .

رئیس الوزراء - برای رفع اشتباهات و نمایندگان ملت عرض میکنم اینکه در پروگرام در اختیار نامه نوشته اند بجهت جهت بوده است اولاً سلطنت ما ملی است حکومت حکومت ملی است اختیاری هم که میخواهیم از مجلس که نمایندگان ملت هستند میخواهیم و از ملت میخواهیم و برای آسایش و امنیت و آزادی افراد مردم است که در خانه هاشان راحت بخوابند راحت باشند و مشغول کسب و آزادی مملکت بشوند و از آن طرف هم ما نیامده ایم حتم بکنیم که باها وزارت بدهید و اختیار بدهید ما بزور شمشیر نمی خواهیم این اختیار را بگیریم اگر چه بزور شمشیر گرفتیم ولی بار باین

ملت پیشکش کردیم حالا هم باز باین ملت عرض میکنیم اگر بما اعتماد دارید اطمینان دزید دین ما را عقیده ما را صحیح میدانید عرایض ما را قبول بکنید اگر هم صحیح نمیدانید مرحمت شما زیاد سایه شما از سر ما کم نشود .

وزیر داخله - در مقابل فرمایشات آقای وحید الملک که با خلی فصاحت و بلاغت فرمایشات مفصله فرمودند عرایض بنده خیلی مختصر و ساده خواهد بود - خیلی از مواد قانون اساسی را شمرند حتی چند ماده از قانون اساسی فرانسه را خواندند

لکن چون هیچکدام از آنها را بنده در حافظه ندارم در جواب آنها مزاحم نمی شوم در مقدمه این پروگرام گفته شده است که برای رفع مواد فساد اختیارات ما برای دولت لازم است اولاً بخود این مقدمه که ملاحظه فرمائید می بینید که برای رفع مواد فساد اختیار خواسته شده است باین معنی که اختیاری بهیئت دولت بدهند که بتوانند مواد فساد را بکلی رفع بکنند نمیدهد نمیدهد مواد فساد هم رفع نمیشود چنانچه چهار سال است رفع نشده و روز بروز هم زیاد میشود ما چند نفر هم که میشود گفت محض فداکاری در این موقع این بارگران را بهمه گرفته ایم از یک قوم دیگری نیستیم و این ملت نمایندگان آنها هم از یک قوم دیگری نیستند اگر این اختیار یعنی آن طریق اجرای قوانین را بما میدهند ما هم میتوانیم این خدمت را انجام بدهیم معلوم است اینجا نظر آقای وحید الملک و شاهزاده محمد هاشم میرزا که فرمودند بر این نیست که مواد فساد رفع نشود بلکه مسلماً تصور می کنند که در تحت این عنوان اختیار تام شاید مثلاً بعدود استبداد نزدیک بشویم - باید دانست که استبداد چیست استبداد میل شخصی یک نفر است و باید تر از آن میل شخصی چند نفر است ولیکن وقتی که عاملین دولت کارکنان دولت آمدند و از مجلس شورای ملی یعنی از هیئت جامعه ملت یک اختیاراتی خواستند که در تمام ممالک درموانع مشکله خواسته اند چنانچه الان در مواد قانون اساسی فرانسه خواندند پس در حقیقت در این صورت این اراده ملت است و شما بآزاده ملت قوت میدهید که موافق مقتضیات مملکت کارها در محور مصلحت عمومی سیر بکنند این قدر از این استبداد موهوم مصنوعی کناره جوئی کردیم و میگفتیم دست به آن نزدیک استبداد بمانیم یا اینکه فلان کار را که بکنید گوشه فلان قانون کج میشود اینقدر از این حرفها گفته ایم و کرده ایم که رفته رفته قوه همان قانون بتعلیل رفته است بطوری که الان اسباب استحکام مشروطیت و این اساس مقدس فراهم نیست و در گوشه و کنار ایران هر متر مرد و گردن کش و هر اداره و بی وجدانی در شهرها شمشیر استبداد خردشان را چنان بسر و کله ما میزنند که نزدیک است سر و سودا باهم بشکنند اگر مقصودمان بازی بود و باعتقاد بنده گفتن بعضی الفاظ مشمشع عیب نداشت البته اغلب آقایان ملاحظه فرموده اند که در بعضی تماشاخانهها در سخنی زمستان در موقمی که برودت هوا از هفده هیجده الی بیست درجه زیر صفر است یک منظره می نمایند که در آنجا بافتضاء آن بازی گل و ریاحین و مرفزار و چشمه سازها را

نموده اند که معلوم میشود ماه آخر بهار است و آنوقت که در آن محل نشسته اند عیون متلذذ می شود از دیدار آن منظره خوش بهار اما وقتیکه از آن منظره خارج می شوند باز می بینند که همان برودت و اقبی است برف میبارد و سرما طوری است که مجال نفس کشیدن نیست حالا بین مطلب ما همین طور است در اینجا و در این محوطه که می نشینیم از این الفاظ خیلی میگوئیم و در واقع هم خیلی خوب است ما بیک قدری که از این محوطه بیرون رفتیم می بینیم که منظره یک منظره مولناکی است و اطراف بقدری مغشوش شده است که این اختیار تام که سهل است اگر یک الفاظ دیگری در قاموس بود که به مراتب سخت تر بود می بایستی نمایندگان ملت بدهند بکارکنان خود که بلکه آنها بتوانند این حال وحشتناک حاضر را بیک سکونتی برسانند - در اوقات که در استبداد صغیر باغشاه یک فضای مخصوصی داشت در آنوقت آنجا یک اوضاع فریبی بود که ابداً مشابهتی بیرون باغ نداشتند متذکر بنده آنجا بودم که از بیرون خبری نداشتم ولی بعد از آن که بیرون رفتم دیدم بیرون ابداً مناسبتی با درون باغ ندارد در آنجا بگیر و ببند قدرت تامه است و طبل و شویور ولی در بیرون صداهای دیگر و هیجان ملی و محسوسات وطن - پرستانه در غلبان است بطوریکه نزدیک است از اطراف دایره وار بایند و باغشاه را در میان خود بگیرند و فرق بکنند و در آنجا هم از مردم مشروطیت بقدری ترسیدند و از آن کارهایی که نباید بکنند کردند که بالاخره بتامی قدرت رسید و باغشاه را سرنگون ساخت حالا خدای خواسته بنده می ترسم که ما هم از عود استبداد بقدری ترسیم و آن کارهایی که بایستی بکنیم نکنیم که خدای خواسته یک روزی بیاید که بشیمان بشویم از این روزها شبیه تمام را به ماطله و مسامحه و الغاق میکنداریم چون آرزو عرض کردم که بعد از این هیچ چیزی در این مجلس شورای ملی پوشیده و پنهان نخواهد ماند و باید بعد از این تمام ملت از تمام ترتیبات جریان امور بتوسط مجلس شورای ملی مطلع باشند حالاهم عرض میکنم که الساعه در چند نقطه ایران بین متردین و اشخاص جنک است و در چند نقطه داهات آتش زده می شود و ناموس و جان مردم در معرض خطر و هدر است خواهند گفت برای این است که دولت قوانین مملکتی را بموقع اجرا نگذاشته است و اسباب موجوده خود را بکار نبرده است بنده عرض میکنم تا این پایتخت که قلب مملکت است درست نشده است تمام مسامی دولت در اطراف بهدر است هر چه در این مرکز بکنیم اثراتش می رود با اطراف مملکت تا اینجا درست نکرده ایم ممکن نیست لرستان را مرتب داشته باشیم مثلاً بازم متباب این که چیزی پوشیده نماند عرض می کنم که رئیس الوزراء مملکت که تازه چهار پنج روز است باین مقام نشسته است طوری خطرات بایشان متوجه شده است که در چندین مرحله از آن روزی که والا حضرت اقدس نایب السلطنه برای قسم بمجلس تشریف آورده اند تا امروز آن خطرات بایشان نزدیک شده ولی با تدابیر اتخاذیه بجمداه تا اکنون آن سوء نیت ها اجرا نشده است در این صورت چطور ممکن است اختیار بما ندهید که جان و مال مردم در خطر باشدو

بالاخره برسد بیک جای عجیبی که هر کس برود در خانه خودش سنگر بیند و آن مخاطرات عظیمه که از اطراف متوجه است همین طور تنگ می شود تا اینکه می آید و پایتخت شما را خفه میکند حالا می خواهید این اختیار را بدهید می خواهید بدهید بدهید هیچ جزئیات فرمایشات آقای وحیدالملک نمی شود ولی بایشان اطمینان می دهم که مقدمه این پروگرام از هیچ قانون اساسی خارجی اقتباس نشده است فقط از محسوسات و از مشاهده حالات و اوضاع مملکتی این پیشنهاد شده است و در خانه عریضه خودم عرض می کنم که در یک مورد یا بعضی موارد شاید این عنوان سوء استعمال شده است و خاطر آقایان نمایندگان شاید از آن مضطرب است بنده آنرا هم می توانم اینجا اطمینان بدهم که هر قدر به کابینه حاضر اختیار بدهید او را سوء استعمال نخواهد کرد و یقیناً با یک حسن سلیقه و عملی رفتار خواهد کرد که آن حسن سلیقه و عمل تکیه اش با نصاب خواهد بود و عدالت.

سلیحان میرزا - بنده چنانچه آقای وحیدالملک شرح مفصلي فرمودند مشروحاً چیزی عرض نمیکنم و با تمام فرمایشات ایشان همراهم و بهیچ وجه اختیار تام و فرمایش بعضی از آقایان لغت دیگری اگر پیدا می شد آنرا هم تصویب می کردند بنده لازم نمی دانم و لکن هیچ يك از مطالبی را هم که آقای وزیر داخله توضیح فرمودند در او تردید نمیکنم ولی در نظر بنده بهیچ وجه قوت تام و اتان با بعضی لغات دیگر لازم نیست و به ای نحو کانه درخور و سزاوار نیست می خواهم بدانم آیا کدام شخص یا کدام قانون مملکتی بیک وزیری منع کرده یا قذف کرده یا در موقع سؤال و استیضاح در آورده است وزیر را که خواسته است يك جانی را به مجازات برساند در همین مثال حاضر عرض می کنم که فرمودند از روز معرفی شدن وزراء تا امروز نسبت بایشان سوء قصد کرده اند و بقدر عملی جلو گیری کرده اند اگر با ثبات برسانند و مجازات بدهند مجازات دادن بیک جانی یا يك (ترور) این يك اختیارات تمامه و به ای نحو کانه نمی خواهد کدام قانون است که منع کند بگوید آدم کش را نباید کشت کدام قانون است که دست آقایان وزراء را بسته است در اینکه يك شب بروند در خانه يك وزیری فردای آنروز آنها را بخواهند مجازات بکنند نتوانند کدام و کبیل است که اگر يك چنین چیزی صورت گرفت سؤال و استیضاح بکنند متعجب می فرمایند از برای دادن مجازات در موارد جنحه و جنایات اختیار تام بل ان می خواهیم که بنظر بنده بهیچ وجه مطابق با موضوع نیست قانون اساسی آن جانی که حکم بصورتیت شخص داده حکم می کند که هر کس برخلاف آن رفتار بکند مجازات بکنند قانون مجازات ما اگر تا بحال رسماً از مجلس نگذشته و لیکن قانون جنایات مازار و سیصد سال است که معین است و هیچ معطلی ندارد گویا ولکم فی القصاص حیوة را احدی منکر نباشد و این قانون ولکم فی القصاص گویا بکلی فراموش شده است تا از روزی که این آدم کشی شروع شد و متدرجاً باینجا کشید و به امروز رسید هیچ روزی این قانون

را ندیده ایم و هیچ مجازاتی را مشاهده نکردیم و هیچ کشنده پلیس را ندیدیم که اگر تاب شادین قاتل است بموقع اجرا بگذرانند و اگر رفت اختیار یام یا تام يك لغت معمول دیگری را بنده و رفقای بنده لازم ندانند و چنانچه اطمینان هم می دهند سوء استعمال نشود باین ملاحظه سوء استعمال نیست که لازم نمی دانیم بلکه بملاحظه اینکه همان قوانین عادی را کافی می دانیم به بینیم چگونه يك و کبیلی بیا یک نفری می تواند در يك موقعی که يك کس را می خواهند مجازات نمایند که تقصیر او بشود رسیده با اسناد معینه عرفی بزنند لکن بنده عرض می کنم اختیار تام یا بهای نحو کانه هر دولتت کیف مایشاء است هیچ تفاوتی ندارد مواد فساد شئی است بهیچ مواد فساد در نظر يك نفر کنسرواتور لبرال کنسر و اتور است آیا مواد فساد کدام است آیا دانه مواد فساد بکجا منتهی خواهد شد چگونه از يك هیئت مقننه يك هیئت مجریه تقاضای يك اختیارات فوق قانون می کنند و يك قدرت فوق قانون می خواهند بگیرند یا اللعجب بنده متعجبم چه عرض کنم در جواب آقای وزیر داخله که واضح می فرمایند چهار نقطه مملکت در اضطراب مبتلا هستند و دعات را آتش میزنند یا این که باقواء دولتی در جنگ هستند تعجب می کنم آیا قانون اساسی و آنگاهانی که اختیار تام نمی خواهند بدهند می گویند بارشید السلطان ها و نایب حسین ها جنگ نکنید میگویند قشون به فارس نفرستید می گویند برای شاهسون ها استعداد نفرستید میگویند شاهسونها را که امروزه حبس کرده اند رها کنید و مجازات ندهید چنین چیزی در قانون اساسی است یا کلاهی که اختیار تام نمی دهند پیشنهاد میکنند مقصود بنده و رفقای بنده از این اشکالات این است که سوء استفاده خواهد شد چنانچه امتحان کردیم و شد و بازم خواهد شد - بعقیده بنده اختیار تام یعنی تعطیل مجلس چرا بجهت اینکه وقتی که اختیار تام دادیم بیک هیئت دولتی می خواهم بدانم همان اکثریتی که این اختیار تام را میدهد از یک وزیری سؤال و استیضاح بکنند می خوانم بدانم یا کله یا لغت اختیار تام و لغت بای نحو کانه کدام و کبیل است که بتواند استیضاح بکند مطابق قانون اساسی میگویند اختیار تام بهای نحو کانه پس آنوقتی که بنده و رفقایم در می آورم یعنی ورقه سفید را در می آورم که به این مطلب رأی بدهیم یعنی قانون اساسی را با این ورقه سفید گذاشتیم کنار از حقوقات مجلس دست کشیدم حقوقات ملت که من را فرستاده است که حقوق آنها را مطابق این ورقه برداشته در کاسه رأی گذاشته تقدیم هیئت وزرا کردم و این هیئت دولت را الی الابد فرض کرده ام زیرا که اختیار تام هم در اینجا معین نیست که تا چه مدت است پس الی الابد من این هیئت دولت را باید هیئت دولت فرض کنم و مختار تام باید آنها بدانم به ای نحو کانه زیرا من اختیار تام را در اینجا ندمتاش را می بینم نه حدودش را و بهیچوجه يك چنین چیزی را نمیتوانم تصویب کنم بجهت اینکه هر کاری که هیئت دولت حاضر کرد ولو اینکه برخلاف قانون

اساسی یا سایر قوانین مدونه باشد خواهند کرد موافق اختیارات تام است آنهم متبذ بلت به ای نحو کانه و مقتضی چنین توانستیم بنده این هیئت دولت را نمی گویم بنده تشریح می کنم لغت اختیار تام را و ای نحو کانه را عرض می کنم اگر فردا وارد منزل يك و کبیل شدند و آن و کبیل را گرفتند و از خانه اش کشیدند بیرون فردا می توان سؤال یا استیضاح کرد بنده می خواهم بدانم فصول و مواد و حدود این اختیار تام کیجاست در آن روز که يك اختیار تامی يك کابینه دادید که بنده هم آن روز در مجلس نبودم فصول و مواد داشت بیک ترتیب معینی در قانون خلع اسلحه در مدت معینه و لغت به ای نحو کانه هم نداشت و قانون ترک اسلحه مدنی بود از مجلس گذشته بود و اجرا نمیشد در این خصوص يك اختیار نامی دادند فقط در موضوع مناسله آنجا پس در هم به ای نحو کانه ندارند بنده عرض می کنم دادن اختیار تام یعنی تعطیل کلیه جرایم یعنی جلو گیری آزادی اقلام این است معنی اختیار تام و بهای نحو کانه بنظر بنده زیرا که اگر يك و کبیلی سؤال یا استیضاح کرد میگویند مغل نظام بود یا مغل آسایش بود نویسنده روزنامه یا خود روز نامه که نوشته شده بود در تحت مواد فاسد بود و مواد فاسد را بنده نمی دانم چه چیز است و بنظر کی معین میشود همانطور که عرض کردم مواد فساد در نظر کنسر و اتور لبرال است و در نظر لبرال کنسر و اتور است چگونه می شود بیک چنین چیز رأی داد [ترور] و [ترور] را چنانچه که اینها ترجمه کرده اند اگر ترور و تروریسم را چیزهاییکه باعث خوف و وحشت است فرض کند و حال اینکه خودشان سه معنای دیگر در اینجا فرض کرده اند اگر معنای آنرا خوف و وحشت فرض کنید این خیلی تفصیلات دارد خیلی چیزها را می توان وحشت فرض کرد و اینجا آورد و در تحت ترور و تروریسم دانست و اگر مقصود آدم کشی است آنرا خوبست واضح بگویند و حدودش را مشخص فرمایند و اعمال آن اختیار تام را مدتش را هم ترتیب معین فرمایند و پیشنهاد مجلس کنید تا ما بدانیم که این اختیار تام را که می خواهیم بدهیم اول در چه خصوص وجه مواد و در چه حدود خواسته اند تا اینکه منم بتوانم رأی بدهم و پس از آن چه ترتیب اجرا خواهد شد و بچه ترتیب خواهد بود والا بنده هر چه نظر میکنم می بینم لغت اختیار تام و علی ای نحو کانه و لغت رفع مواد فساد آنها يك لغاتی است که قابل همه قسم تاویل و تفسیر است و گویا این لغات برای آنها هم که رأی میدهند مهم است معنی یادآوری عرض میکنم که کسی که اختیار تام را اینجا رأی داد یعنی بنظر بنده و شاید هم خط کرده باشم و ظاهر آن خط هم کرده ام بجهت اینکه در اولین بنده این را میدانم اختیار تام وقتی که داده میشود بدون اینکه حدود اساسی آن معین بشود یعنی مرکز تمام حقوق اساسی که از برای ملت معین است تمام آن حقوق اساسی که از برای ملت معین است تمام آن حقوق را باید مرکز بکنیم و بدانیم که چگونه از وزراء سؤال و استیضاح بکنیم معنی اینکه فقط بنده بدانم و بقیهم استدعا می کنم از آقایان وزراء که در مواد اختیار تام بنویسند و بدهند که بنده بدانم غرض از اختیار تام چه چیز است زیرا که تمام این تفسیر و تاویل هائی را که بنده و با آقای وحیدالملک

کرده اند ممکن است که از این عبارت که در اینجا نوشته شده است بیرون آورد و ممکن است که آقایان وزراء بر خیزند از نظر خودشان يك چیزی تفسیر فرمایند و بهمان طور که آقای مستشار الدوله فرمودند خیلی چیز معنادی قرار بدهند که عبارت باشد از نظم مملکت و با آن تمثیلات صحیحی که میدانند مثل نمایش بهار یا باغ شاه آن وقت مستند نمایند این مذاکرات داین تنقیدات اقلیت را بیک چیزهای هوایی و بگویند این هوا و هوسها این تنقیدات در ذلت دادن مشروطیت و بهم زدن مجلس است و شاید يك مثالی از این مثالها فرمایند که این تنقیدات بهم زدن همه چیز و از دست دادن همه چیز است لکن کدام نمی گنم اینها هیچ کدام توضیح اختیار تام بهای نحو کانه باشد و هیچ کس را قانع نخواهد کرد که بفهمند و درك بکنند که معنی اختیار تام به ای نحو کانه چه چیز است و بالاخره اگر بنده نتوانم بفهمم ممکن است فرمایند و يك چنین توضیحی و شرحی بدهند که اگر امروز يك چنین اختیار تامی داده نشود فارس منشوش می شود و فلان جا از دست خواهد رفت در طهران هم همانطور که نسبت با آقای رئیس الوزراء فرمودند و کلامم در خانه خودشان نمی توانند برود و اگر و کلا تصویب بکنند و این اختیار را بوزرا بدهند تمام مملکت مایکسر امن و اصلاح می شود و تمام مواد فساد که متصور است يك مرتبه قلع و قمع می شود و حقیقتاً مملکت ما مملکت امن و کستان بلکه آن بهشتی که خداوند وعده داده است مملکت ما آن خواهد شد و در تحت کلمه اختیار تام به ای نحو کانه یا ورقه سفید خواهد حاصل شد شاید همین را با کمال شدت وحدت فرمایند که همین است اگر میدید که بدهید اگر نمی دهید خدا حافظ شما میروم این اظهارات منطقی نیست و این دلیل منطقی برای اعتراضات يك و کبیل نخواهد بود خوبست معین فرمایند و همه بدانند که اختیار تام بهای نحو کانه حق سؤال و استیضاح را از کلا بر میدارند یا بر نمی دارد حق بوزرا میدهد که داخل خانه مردم بشود مأمورین آنها یا نمی دهد اختیار تام به ای نحو کانه حق میدهد که بدون مجا که يك جریده را توقیف بکنند یا خیر اختیار تام حق میدهد که يك کسی را بدون مجا که تبعید بکنند یا حق نمی دهد اختیار تام بهای نحو کانه حق میدهد که فردا يك نفر از رعایای ایران را تبعید کنند یا حق نمی دهد اینگونه حقوقی که در مملکت هست بی بینم وقتی که اختیار تام بهای نحو کانه بدهیم اینها را از بین بر میدارند یا بر نمی دارند و الا باز تکرار میکنم که آن مثال هائی که آقای مستشار الدوله بیان میفرمایند خیلی فصیح و بلیغ خواهند فرمود لکن آن مثالها بنده را متقاعد نخواهد کرد و يك مختصر اشتباه بنده را هم رفع نخواهد کرد خوب است يك مختصر توضیحات بدهند که بی بینم چه چیز است مراد از اختیار تام بهای نحو کانه

و حتی بعضیها هم اظهار عدم امنیت کردند در این مسئله که مکرر میفرمایند اختیار تام بهای نحو کانه این يك تبدیل کلامی است که هم عبارت اینجا شاید است و هم وزراء چنین چیزی را نخواسته اند ایشان بهای نحو کانه را عقب انداخته اند و میفرمایند اختیار تام بهای نحو کانه ماهمچو چیزی نوشته ایم ما نوشته ایم دفع مواد فساد بهای نحو کانه یعنی بهر جور می خواهم رفش را بکنیم این قسم اختیار تام می خواهم حال این را پس و پیش کردن شاید اسباب پاره ای اشکالات پیش بیآورد و اما بقول عربها انشد کم بالله از شما و کلامی رسم این قانون اساسی نمی بینید اصل است و هر اصلی فرعی می خواهد که فروع این اصل که این وزراء را مسئول میکند که بروند مطابق آن اصل کار بکنند که امر فرع است که درست کرده اند که از روی آن بروند کار بکنند خود شما مکرر ندیده اید که وزراء شما نتوانستند با یکجریه طرف بشوند خود شما مکرر ندیده اید که در این شهر شما وزیر بکشند و کین بکشند ملا بکشند خادم ملت بکشند همه اش هم که در مواقع و حال انقلاب نبود چرا نتوانستید حرف بزنید برای اینکه حرفی که لازم بود برای اجرای مقاصد در دست شما نبود و آن انتظامی که لازم بود نداشتید که هیچ کدام از شما قوت قلب نداشتید همه تان می ترسیدید هم و کبیل هم وزیر و حالا ملاحظه فرمایند امروز وقت مملکت تنگ است و وقت این نیست که باین حرفها بپردازیم بنده را میدانید که نه حزب اکثر نه حزب اقل میدانم و داخل این حرفها نیستم می گویم مملکت امروزه میرود وقتی که شما هزار قوه بفارس هزار قوه به لرستان بفرستید و وقتی که بفهمند که وزیر مالیه شما را در شهر شما در روز روشن می کشند و خون او به هدر میرود و نمی توانید قاتل او را مجازات بکنید ابتدا آن قوای شما اثر نخواهد کرد چطور می شود این حرف ها را اینجا زد و آن فلسفه دفع مواد فساد را ملاحظه نکرد چطور می شود که در پارلمان من کمال تأسف را می خورم که يك نماینده محترم می دفاع از ترور بکند شما این ماده را بخوانید ببینید این ماده که اینجا نوشته هم نه دخلی به جرایم دارد نه جای دیگر فقط از برای دفع مواد فساد است از برای رقم تروریسم است که وکیل می تواند حرفش را آزادانه بزند وزیر بتواند اقدامی آزادانه بکند این اختیار را می خواهم این اختیار را در این گونه امور می خواهم و اساس مملکت می دانیم و تصور نکنند که می خواهم خلاف قانونی بکنیم مگر نه ما حفظ قانون اساسی را حفظ استقلال مملکتی و استقرار امنیت در این مملکت می دانیم وقتی که يك ماده فسادى باعث این شود که آن استقلال را مغل بشود که هر چه باشد باید رفع آنرا بکنیم هر چه بهای نحو کانه باید رفع آنرا بکنیم شما و کلا شما وزراء باید دست بهم بدهید و رفع آنرا بکنید هیچ تفاوت نمی کند امروز بنده را تهدید می کنند فردا شاهزاده سلیحان میرزا پس فردا کاشف را هیچ تفاوتی نمی کند وقتی که يك موضوع فسادى در مملکت جاری شد هیچ کس نمی تواند مطمئن باشد احدی نمی تواند این را یرده پوشی کند یرده پوشی کردن اینکار

و بواسطه سابقه بعضی اعمال پاره ای خیالات در بعضی سرامهاست آنها هم نیست فقط ملاحظه حال امروزه مملکت و بارگرانی که اینها بدوش گرفته اند مقتضی است که مشغول این عملیات بشوند حالا نمی خواهید مشغول شویم مختارید دیگر باز شاهزاده سلیمان میرزا نفرمایند که ما نمیتوانیم باین قدر متقاعد شویم من تصور میکنم که اشکالی برای این مطلب باقی نماند مگر بخواهند قانع نشوند این یک چیز دیگری است اما این یک چیزی است که همه شاهها میدانند در شهر شما هست وجداناً در پیش خدا و خلق ما همه مسئولان امر هستیم من هم میدانم داخل اینها کرده شده ام و مستحضر شده ام و همه آقایان و کلا بهتر از من میدانند و بنده نمی توانم این را انکار بکنم پس بایستی بایک صمیمیت و بیک واقعیتی داخل اینکار شد و بایستی هم آواز شد و دفع این مواد فساد را کرد و اینکه شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند (ولکم فی القصاص حیوة) یا اولی الاباب صحیح است اما یک آیه دیگر هم هست آن را هم خوب بود در نظر می آوردند :

انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله ویسمعون فی الارض فسادا ان یقتلوه اویصلوه اوتقطع ارجلهم وایدبهم من خلاف اوینقون من الارض ذلک خزی لهم فی العیوة الدنیا و فهم فی الاخرة عذاب الیم - به بیندید دیگر چیزی باقی گذاشته است مام آن اشخاص را میگوئیم و خدا برای آنها حدودی قرارداده است مام شاید آن اولیاهای را بخواهیم استعمال کنیم آن حد آخری را شاید اتخاذ کنیم .

رئیس - این یک چیزی است که از وظیفه بنده است عرض بکنم آقای وزیر امور خارجه در ضمن بیانات خودشان فرمودند دفاع از سروریم میکنند بنده گمان نمیکنم در این مجلس شخصی باشد که دفاع از سروریم بکند و چنین دفاعی ابدأ نشد این از تکلیف بنده است که باید عرض بکنم اگر مذاکرانی شده است در ترتیب عمل بوده است حالا بنده گمان میکنم که مذاکرات در این خصوص کافی است حالا رای میگیریم باده اول آقایانی که مذاکرات را در ماده اول کافی میدانند و تصویب میکنند که از ماده اول بگذریم ماده دوم قیام نمایند .

(با اکثریت پنجاه رای تصویب شد) (ماده دوم پروگرام وزارت بهار تذبذبات شد)
رئیس - در این باب بنیراز شاهزاده محمد هاشم میرزا کسی مخالف نبود ایشان اگر اظهاری دارند بفرمایند .

محمد هاشم میرزا - بنده آنوقت که اجازه خواسته بودم برای این بود که بدانم این اختیار نام راجع باین موادم هست یا نیست حالا که معلوم شد راجع باین موادم نیست عرضی ندارم .

رئیس - چون غیر از شاهزاده محمد هاشم میرزا مخالفی نبود اجازه می دهید بگذریم به ماده سه .

سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم باید عرض کنم .

رئیس - چون اجازه خواسته اید توضیح بدهید و چون بنده بوظیفه خودم عمل کردم و آن توضیح را در اظهارات آقای وزیر امور خارجه نسبت بنطق شما دادم دیگر لازم بتوضیح نمی دانم .
سلیمان میرزا - در این ماده عرضی دارم .

رئیس - بفرمائید .
سلیمان میرزا - بنده این ماده را وقتی موافق خواهم بود که آنطوری که عرض کردم وقتی می توانم رای بدهم که قانون جزا از مجلس گذشته باشد و چون نگذشته است و اگر هم بگذرد مسلماً موافق قوانین شرع انور خواهد بود پس اگر آقایان وزراء داخل شوند که بهلوی این لفظ موافق شرع نوشته شود رفع اشتباه از همه کاملاً بعمل می آید و موافقت تام در آن خواهد بود .

رئیس - چون دیگر مخالفی نیست میگذریم ب ماده سوم .
(ماده سوم بعبارت ذیل خوانده شد) .

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا نوشته بودید در ماده سوم مخالف مقصودتان ماده سوم از مقدمه پروگرام است یا ماده سوم از خود پروگرام .

سلیمان میرزا - در هر دو ماده بنده عرضی دارم
رئیس - بفرمائید .

سلیمان میرزا - بنده در این ماده سه مقدمه که مطرح است عرض میکنم قانون مجازات اداری ما که نگذشته است می خواهم بدانم این کدام قانون مجازات اداری است که هنوز بنظر و کلان رسیده است و مقصودشان از این قانون مجازات اداره کدام قانون است و مطابق کدام قانون این مجازات را مجری خواهند داشت .

وزیر داخله - وقتیکه بتاريخ این سه چهار سال اخیر نگاه کنیم می بینیم غالب این خرابیها اینست که در میان مأمورین اصول انتظامات و اطاعت مادون بمافوق رعایت نشده بفرض اصول قانون اساسی را مأمورین جاهل سوء استعمال کرده اند و چنین دانسته اند که مملکت چون آزاد است هر کس می تواند هر وقت خواست هر کاری را بکند و هر وقت نخواست می تواند نکنند هر وقت خواست یک کاری را خوب بکند باید بکند می تواند هر وقت روایت روستای اداره باور یک حرفی زدند که چرا چنین کردی خواهد گفت مملکت ما یک مملکت آزادی است من معتار بوده ام و اگر هم یک تعرضی با کرده و مؤاخذه از او کردند که چرا چنین کردی فقط نظرش باین خواهد بود که او را ببرد به محاکمه ادعای شرف بکنند اولاً باید دانست که در هیچ چادر خصوص خدمات یا خیانتهای مأمورین مجامعات آنها ببدلیه رجوع نمی شود همه چادر این گونه امور محاکمات اداری است و در موارد مقتضیه بعد از آنکه این مرحله را نمودند آنوقت اگر رئیس محکمه لازم دانست او را می فرستد به محکمه عدلیه و در اینجهامین طوری که حالا شاهزاده سلیمان میرزا گفتند قوانین اداری ما نگذشته است و عملاً مرتب نشده است بلکه تقریباً می توان گفت که بعد از قانون اساسی و دوسه قفره دیگر قانون دیگری نداریم ولی چون قانون دیگری نداریم نمی شود امور مملکت را مختل گذاشت که چون قانون نداریم ایشان می خواهد خواه در مرکز خواه در ولایات بکنند اگر آمرین آنها بآنها گفتند باید بفلان

ولایت بروید اگر دلش خواست برود اگر نخواست نرود چنانچه از دو سه ماه باین طرف در خصوص مأمورین نظامی این مسئله دیده شده است و معلوم است که با این وضع هیچ کاری از پیش نمی رود هر قدر ما پول تلف کنیم و هر قدر استعداد حاضر کنیم هر قدر قوای فکری و اراده ای را بکار ببریم بالاخره این باید بدست مأمورین اجرا شود چه مأمورین کل چه مأمورین جزء وقتی که آنها تابع یک نظامات نشده اند رئیس آنها میتواند بسماعه یا خدای نخواسته بفرض اوامر دولت را سوء استعمال کند یا هیچ استعمال نکند و اوامر دولت را معطل و مهمل بگذارند یا بطوری استعمال بکنند که بمکس نتیجه منتظره نتیجه حاصل شود پس معلوم است که تا این قوانین مدون نشده است نمی توان مأمورین را معطل و بدون تکلیف گذاشت که ممکن شود امور تعطیل یا تسامح بردار باشد لهذا بمناسبت تقصیرات و مسامحه و ملاحظه که در مأمورین دیده میشود باید آنها را بمجازات معا که اداری یعنی بطوری که چهار نفر را نشانند و گفت که باین مأمورین چنین حکمی شده بود یا کتبی یا شفاهی و این مامور برخلاف اجرا کرده است باید اجرا نکرده است آنوقت آنها هر چه حکم کردند البته آن باید اجرا شود اینست مجازات اداری چون قانونی در این باب نداریم اینست که بکمدت قلبی باین ترتیب خواهد بود و چنانچه ملاحظه میفرمائید در یک ماده دیگر اشاره شده است که بجزه قوانین موقتی معین خواهد شد که این معا که اداری هم باین طریق که واقماً از روی قوه دفاعی هر کس خواهد بود اینهم در خیلی مدت قلبی یعنی در ظرف مدت چهل روز باشد تا آن قوانین موقتی تهیه شده بگذرد البته بعد از آنکه آن قوانین موقتی گذشت مطابق آن عمل خواهد شد این را هم در این مورد لازم است عرض بکنم که چندی است در ادارات دولتی چه در پایتخت و چه در ولایات مأمورین دولت داخل در یارتی بازی شده اند و اینرا وسیله اجراء مقاصد شخصی قرار داده اند البته مأمورین دولت هم هر یک یکی از افراد ناس هستند و هر یک از افراد ناس بکسلویه و مسلکی دارد و او را نس توان مانع بود لکن آن شخص نباید بآن مسلک خودش را در کارهای دولتی و در امور اداری خودش اعمال کند در هیچ جا همچو چیزی نیست که نوکر دولت و مأمورین دولتی سلیقه شخصی خودشان را در امور دولتی اعمال بکنند و این یک چیز مسلمی است که گمان نمی کنم در این خصوص مخالف باشد

رئیس - در این باب دیگر مخالفی نیست اگر مجلس تصویب میکند بگذریم در ماده سوم [گفتند صحیح است] .

رئیس - عجالتاً ده دقیقه تنفس است و به از تنفس شروع میکنیم بمذاکره در ماده چهارم (مجلس از برای تنفس متفرق شد) [بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد] **رئیس** - ماده چهارم خوانده میشود .

محمد هاشم میرزا - محض اینکه سوء تفاهم نشود برای اینکه بعد از آنی که بنده تمام تروریست های دنیا را تکذیب کردم بازم سوء تفاهم شد و خیال کردند که میخواهم دفاع از تروریست ها بکنم عرض میکنم امروزه هیچکدام از تروریست ها که طبع و توزیع می شود آنطوری که باید بنده آنها را صلاح حال امروزه و مفید نمی دانم و از هر کدام از آنها معایبی دیده ام و معایب هم دارد همین طوری هم که نوشته اند در مواردی که ارجاع بمحاکم عدلیه میگردند و مجامعاتی که در عدلیه می خواست بشود دچار اشکالات میشد و آن مشکلات را هم بنده دیده ام که مثل سایر مطالب نبود که بسادگی از محکمه بگذرد ولی عرضی که دارم این است که اینجا نوشته اند مادامی که محاکم عدلیه تصفیه نشده است برای هیئت وزرا اختیاری لازم است که هر گاه جرایم از حدود خودشان تجاوز کردند وزارت معارف مجامعات آنها را در محاکم اداری بگذارند و محکمه اداری از قزاقی که بنده مسبوق هستم راجع به امور اداری خواهد بود و در تحت نفوذ یک وزارتخانه است حالا در مورد روزنامه رسمی که شد یکی از ادارات وزارت داخله خواهد بود شاید بنده نتوانستم عرض بکنم لکن سایر روزنامه هائی که امروزه منتشر میشود اگر از حدود خودشان تجاوز کردند آنها را بکدام یک از مجامعات اداره وزارتخانه می توانیم رجوع بکنیم چه تخلفی از قانون و نظامات اداری کرده اند تا اینکه محاکم اداری در آنخصوص رسیدگی بکند و علاوه بر این که بموجب قانون اساسی مامی نویسد که هیچ محکمه ممکن نیست منعقد بشود مگر بمحکم قانون و این محکمه را که پیشنهاد کردند که تشکیل می شود به حکم کدام قانون خواهد بود تا اینکه در باب جرایم معا که بکند والا اینکه چون محکمه عدلیه خوب نیست و تصفیه نشده است باید این کار را بمحاکم اداره رجوع کرد این مثل اینست که بگوئیم چون فلان حاکم خوب نیست باید حکومت را بکار گذاری رجوع کنیم یا چون کار گذار سیستم خوب نیست باید کار او را بحکومت آنجا واگذار کرد به نظر بنده این طور می آید شاید ملتفت نباشم و اگر توضیح بدهم ملتفت میشوم علاوه بر این قانون اساسی در موافقی که این محظورات در بین هست راه چاره برای این کار معین کرده است و آن این است که محکمه باحضور یک هیئت منصفه که معین میشود باید رسیدگی بکند و بعد از آنی که هیئت منصفه معین بکنند گمان ندارم محاکم عدلیه بتوانند آنطوری که باید رعایت نکات قانونی را بکنند بله وقتیکه بدون هیئت منصفه رسیدگی بشود ممکنست محکمه را طرف سوء ظن قرار بدهند و بنده هم تصدیق میکنم ولی اگر به موجب اصل هفتاد و نهم قانون اساسی که می نویسد در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهد بود عمل بشود و با حضور هیئت منصفه در محاکم عدلیه رسیدگی بشود گمان ندارم این اشکالاتی را که فرموده اند وارد بیاید والا بنده نمی دانم که محاکم

اداری در امر مطبوعات و جرایم محاکمه خواهند کرد خوب است این را توضیح بفرمایند که بنده بدانم .

حاج شیخ الرئیس - اما اینکه مرجع نظامات مستقیماً وزارت عدلیه است خوب مطلب واضحی است ولی البته پروگرام را ملاحظه فرموده اید که نوشته اند چون هنوز تشکیلات عدلیه ناتمام است و مشغول کسانی که صلاحیت این کار و این رسیدگی را دارند در این خصوص رسیدگی بکنند برای اینکه بنده خیلی اهمیت می دهم باین ماده پروگرام و همانطوریکه خود نماینده محترم فی الجمله اشاره کردند بنده صریحتر و مشروحتر عرض می کنم که برخلاف انتظار عقلا در یک جرایم ما از جرایمی که براب تهذیب اخلاق یا روابط سیاسی تأسیس می شوند مشاهده کرده ایم که سوء استعمال کرده اند البته قلم آزاد است ولی مادامی که بازادی شخص بلکه ترقی می دهم که بسا آزادی نوع و استقلال مملکتی و آسایش عمومی صدمه نرساند و البته نظر هیئت وزراء در این مورد جلو گیری از بعضی تجاوزاتی است که از قلم بعضی از روزنامه نگاران می شود که می خواهند تا وقتی که محاکم عدلیه صحیحاً مرتب نشده است مجامعات آنها را بمحاکم اداری رجوع نمایند که جلو گیری بشود و معلوم است که اینها را بدون مجازات و مکافات خیلی اسباب تجری میشود به اینجهت بنده عقیده ام این است که مرکز رسمی اینگونه وقایع وزارت علوم است وزیر علوم میتواند که یک هیئت منصفه معین کرده به اینکار رسیدگی بکند و هیچ اشکالی هم ندارد مراتب تجاوزات قلبیه هم معلوم است که بیک مرتبه بعد مثل من آدمی تجاوز می کند یکمرتبه نسبت بحقوق عامه و برای اینکار همانمواد قانون مطبوعات معین است و با رجوع بمحاکم اداره اجرا میشود و هیچ محل اشکال نیست .

آقای سید حسین اردبیلی - بنده در اجرای قانون مطبوعات هیچ تردیدی ندارم یعنی این یک چیزی است که گمان نمیکنم کسی بتواند در آن تردیدی بنماید البته همه باید مساعدت بکنند در اجرای آن و اگر اجراء نشود باید سؤال بکنید و استیضاح بکنید که چرا اجرا نمی شود در این هیچ شکی نیست و قانون مطبوعات باید اجرا بشود ولی عرض بنده در اینجا فقط راجع به این قسمت است که نوشته اند برای کابینه اختیاری لازم است که تا اصلاح محاکم عدلیه هر گاه جرایم از حدود قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمحاکم اداری مجری دارد بنده اینرا بیک قدری مشکل میدانم بواسطه اینکه این برای چیست اگر برای این است که محاکم عدلیه را کافی نمایند از برای اینکه صلاحیت اینکار را داشته باشند پس به دلیل بهرجهاتی که آمحاکم را برای اینکار صلاحیت نمیدهند باید برای سایر کارها هم کافی ندانند که سایر رجوعات و تظلمات رسیدگی نباید بکنند حال اینکه اینطور نیست و مادامیکه عدلیه نواقصی دارد باید سعی بکنند در اینکه آن نواقص را رفع بکنند که حقاً صلاحیت رسیدگی را پیدا بکنند و تا وقتی که آن نواقص رفع نشده است همانطوریکه سایر کارها را مجبوریم که رجوع بآنجا بکنیم در مورد مطبوعات هم باید این کار را بکنیم منتهی مفاسدی که بوده است ما

هم تصدیق داریم که برای این بوده است که قانون مطبوعات اجرا نشده است نه اینکه بواسطه این باشد که یک وقتی اقدامی شده است و مصادف شده است بایک تصادفاتی که بواسطه محاکم عدلیه بوده است تا اینکه خواسته باشند به محاکمات اداری آنها را فیصل بدهند بلکه تاکنون مطبوعات بواسطه اینکه هیچگونه تصادف و تضییقی ندیده اند در مورد تجاوزات که کرده اند از آن ها جلو گیری نشده است کار باینجا رسیده است که رفته رفته از حدود قانونی خودشان تجاوز کرده اند البته قانون مطبوعات برای جرایم یک حدود و حقوقی معین کرده است و تا وقتی که بآن حدود و حقوق رفتار بکنند البته هیچ کسی حق تعرض به آن ها ندارد و همین طور که خودشان تصدیق کرده اند یکی از اصول اولیه آزادی و مشروطیت است و ما هم هر چه داریم از آنها داریم که بواسطه مندرجاتشان اذهان را حاضر کرده اند برای آزادی طلبی این را کسی منکر نیست ولی وقتی که جرایم از آن حدود میگذرد تجاوز کردند و در مقام اینکه می خواهند تنقیدی بکنند یا این که مسئله را موضوع بحث قرار بدهند تجاوز می کنند به تاکی باید از آن ها جلو گیری بشود و بدبختانه در مملکت ما هم با نظریه اخلاق مردم است بنا نظر بجهت دیگر جرایم بیشتر هنگامی می کنند و هر کدام که هتاکیشان بیشتر است بیشتر رواج می شوند و مردم از آن ها ترویج می کنند و در این طور موارد تاکنون آکر از طرف دولت اقدامی شده بود و آن ها را مجازاتی داده بودند یعنی در هر موردی که تجاوزی از یک روزنامه مشاهده می کردند رجوع می کردند به محکمه و هر چه آن محکمه و هیئت منصفه رای میداد اجرا می کردند مسلماً جلو گیری میشد و بعد از اینهم اگر فقط بهمان قوانین مطبوعات اکتفا بکنند و آن مواد را بموضع اجرا بیاورند و قناعت بکنند بمحاکمات عدلیه باوجود یک هیئت منصفه گمان میکنم از هر جور هتاکمی جلو گیری بشود و محتاج نخواهد بود باینکه برخلاف یک قانونی که در دست داریم بیائیم یک حق و اختیار نامی را اینجا تصویب بکنیم که اجرای قانون مطبوعات را مثلاً بمحاکم اداری رجوع بکنند و چون بنده با اغلب نظرات آقای محمد هاشم میرزا موافقم و تصویب میکنم دیگر لازم نیست که تکرار بکنم و عقیده بنده این است که فقط آن قید آخر را زائد میدانم که این کار رجوع به محاکم اداره بشود .

حاج آقا - بنده هم آن عباراتی را که یکی از نمایندگان محترم بیان فرمودند در اینجا مکرر میکنم که با مخلوق خدا و ملت ایران نباید بازی کرد و واقماً با مقدرات مملکت بطریقیکه امروزه مقتضی است باید رفتار کرد البته ما و کسانی که در راه آزادی زحمت کشیده اند هیچ شبهه نداریم که یکی از بزرگترین اصول آزادی آزادی مطبوعات است ولی باید دید آن آزادی که مجبوریم یک ملت بلکه عالمی است آن آزادی که باید از او استفاده

اداری در امر مطبوعات و جرایم محاکمه خواهند کرد خوب است این را توضیح بفرمایند که بنده بدانم .

حاج شیخ الرئیس - اما اینکه مرجع نظامات مستقیماً وزارت عدلیه است خوب مطلب واضحی است ولی البته پروگرام را ملاحظه فرموده اید که نوشته اند چون هنوز تشکیلات عدلیه ناتمام است و مشغول کسانی که صلاحیت این کار و این رسیدگی را دارند در این خصوص رسیدگی بکنند برای اینکه بنده خیلی اهمیت می دهم باین ماده پروگرام و همانطوریکه خود نماینده محترم فی الجمله اشاره کردند بنده صریحتر و مشروحتر عرض می کنم که برخلاف انتظار عقلا در یک جرایم ما از جرایمی که براب تهذیب اخلاق یا روابط سیاسی تأسیس می شوند مشاهده کرده ایم که سوء استعمال کرده اند البته قلم آزاد است ولی مادامی که بازادی شخص بلکه ترقی می دهم که بسا آزادی نوع و استقلال مملکتی و آسایش عمومی صدمه نرساند و البته نظر هیئت وزراء در این مورد جلو گیری از بعضی تجاوزاتی است که از قلم بعضی از روزنامه نگاران می شود که می خواهند تا وقتی که محاکم عدلیه صحیحاً مرتب نشده است مجامعات آنها را بمحاکم اداری رجوع نمایند که جلو گیری بشود و معلوم است که اینها را بدون مجازات و مکافات خیلی اسباب تجری میشود به اینجهت بنده عقیده ام این است که مرکز رسمی اینگونه وقایع وزارت علوم است وزیر علوم میتواند که یک هیئت منصفه معین کرده به اینکار رسیدگی بکند و هیچ اشکالی هم ندارد مراتب تجاوزات قلبیه هم معلوم است که بیک مرتبه بعد مثل من آدمی تجاوز می کند یکمرتبه نسبت بحقوق عامه و برای اینکار همانمواد قانون مطبوعات معین است و با رجوع بمحاکم اداره اجرا میشود و هیچ محل اشکال نیست .

آقای سید حسین اردبیلی - بنده در اجرای قانون مطبوعات هیچ تردیدی ندارم یعنی این یک چیزی است که گمان نمیکنم کسی بتواند در آن تردیدی بنماید البته همه باید مساعدت بکنند در اجرای آن و اگر اجراء نشود باید سؤال بکنید و استیضاح بکنید که چرا اجرا نمی شود در این هیچ شکی نیست و قانون مطبوعات باید اجرا بشود ولی عرض بنده در اینجا فقط راجع به این قسمت است که نوشته اند برای کابینه اختیاری لازم است که تا اصلاح محاکم عدلیه هر گاه جرایم از حدود قانونی تجاوز کردند وزارت معارف قانون مطبوعات را بمحاکم اداری مجری دارد بنده اینرا بیک قدری مشکل میدانم بواسطه اینکه این برای چیست اگر برای این است که محاکم عدلیه را کافی نمایند از برای اینکه صلاحیت اینکار را داشته باشند پس به دلیل بهرجهاتی که آمحاکم را برای اینکار صلاحیت نمیدهند باید برای سایر کارها هم کافی ندانند که سایر رجوعات و تظلمات رسیدگی نباید بکنند حال اینکه اینطور نیست و مادامیکه عدلیه نواقصی دارد باید سعی بکنند در اینکه آن نواقص را رفع بکنند که حقاً صلاحیت رسیدگی را پیدا بکنند و تا وقتی که آن نواقص رفع نشده است همانطوریکه سایر کارها را مجبوریم که رجوع بآنجا بکنیم در مورد مطبوعات هم باید این کار را بکنیم منتهی مفاسدی که بوده است ما

شود و باعث ترقی و آبادی مملکت است که با ماست و فرق گذاشت بین آن و بین آزادی که باعث هرج و مرج و باعث تولید هزار گونه زحمت برای اهل مملکتی میشود همانطور که گفته شد بنده یک لغتی را در اینجا می بینم که تازه در مملکت متداول شده است و تمام مردم در یک موردی که میخواهند مقصودشانرا از پیش ببرند یا یک چیزی را که در نظر گرفته اند بدست بیاورند تمام تکیه شان بر آن لغت است در حالتی که هنوز آن لغت در این مملکت یک مفهوم است که مصداق پیدا نکرده است و آن لغت لغت قانون است بله تمام چیزها در یک مملکتی که در راه آزادی قدم گذاشته و میخواهد مثل سایر ملل متمدنه عالم بیک طریق قانونی اوضاع معیشت خودشرا اداره بکند باید بر طبق قانون و اصول آزادی باشد ولی یک مملکتی که ابتدا هیچگونه قوانین مملکتی را دارا نبوده است نباید در آن مملکت هی فریاد قانون کرد تا وقتی که همانطور که آقای وزیر امور خارجه فرموده قوانین آن وضع بشود شاهد بر عرض خودم یکی از حکام در یزد یا جاهای دیگر یک تاجر را گرفته بودند و بغیر حق حبس و جریمه کرده بودند آنوقت در ریورتنی که داده بود بنده خودم دیدم که نوشته بود که فلان شخص را که فلان کار را کرده بود و بموجب قانون مجازاتش کردم در صورتی که بنده می دانم بموجب کدام قانون او آن جریمه را آن شخص گرفت و او را حبس کرد مقصود این است که این یک تکیه کلامی شده است که در هر مقامی که میشود در جواب همین کلمه را خواهند داد در صورتی که وفیقه بحقیقت مطلب اسان بی می برد می بیند که هیچ نبوده است و فقط حرف افظ بوده می فرماید قانون مطبوعات باید به محاکم عدلیه رجوع شود بنده عرض می کنم بگذارید عدلیه شما سکر نمی داید که عدلیه ای که مردم خونها در راه آزادی و مجلس و مشروطیت ریختند جوانها دادند تا این که عدالت کردند عدلیه برپا کردند الان چه حال دارد.

رئیس - گمان میکنم مذاکرات به قدر کافی بعمل آمده است.

(گفته شد کافی نیست)

وجه المملکت بنده در اینجا تجسین میکنم

یک قسمت از نظری آقای حاج آقا راجع به اهمیت مطبوعات یکی از بزرگترین اصول آزادی همین آزادی مطبوعات است که در تاریخ آن را ملاحظه کنیم می بینیم که به عالم تمدن عالی خدمات فوق العاده کرده است و اهمیت بی نهایتی را هم که امروزه در دنیا تمدن دارا شده است هیچ جای تردید نیست بنده هم دفاع نمیکنم از مندرجات بعضی از مطبوعات شاید تجار کرده اند از حدود و تکالیف قانونی خود ولی ز طرف دیگر عرض می کنم که مطبوعات همیشه بصورت و افکار یک ملتی است و اگر مطبوعات ما از حدود قانونی خود تجاوز کرده باشند سایر اشخاص و تأسیسات هم از حدود خودشان تجاوز کرده اند ولی در اینجا بنده افتخار می کنم که مطبوعات ما فی الحقیقه در این یکسال و نیم آزادی جدید خیلی ترقی کرده است و قابل یک اهبتی شده است مثل اینکه کسانی که جرایم خارجه را میخواهند و تلگرافات خارجه را می بینند یقیناً بخاطر دارند که در خیلی مطالب مطبوعات ما تلگراف می کنند بخارج استفاده اطلاع از آنها می کنند نه اینکه استفاده سوء و این فی الحقیقه یک افتخاری است برای ملت ایران اما چنانچه عرض کردم نمی توانم منکر بشوم که مطبوعات ما تماماً بوظایف خودشان رفتار کرده اند ولی یک چیزی را هم بجز آن می توانم عرض کنم که دولت تا بحال بوظیفه خودش عمل نکرده است و هر وقت که مطبوعات هیچ اقدامی در جلوگیری آنها نکرده است مثل اینکه هتک شرف از خود

حاج آقا - بنده گن می کنم که عرضی را

که می کنم شاید خارج از موضوع باشد مقصود این است که این را نباید بمعنا کم عدلیه ارجاع کرد بلکه باید این رسیدگی در یک محکمه بشود نه محل اطمینان ملت باشد برای اینکه امروز قانون اساسی ما میل و عواطف ملت است و ما باید تکیه کار همانا بمیل آنها باشد همانطور که در دوسه ماده قانون اساسی آن روز تمام ملت رأی دادند و ما هم بموجب رأی تمام ملت اقدام کردیم امروز هم باید ببینیم که نظر تمام ملت چیست و اگر دیدیم در یک موردی رأی تمام ملت برخلاف قانون اساسی است بموجب همان وظیفه که مادر کردن گرفته ایم در حفظ قانون اساسی بکنیم این را درمی کنیم و تکلیف ما هم

این مجلس کرده اند و رفته است بمعنا کم و آنطور که باید دولت تعاقب نکرده است از این جهت است که این تقصیر را بنده جدا بگردن دولت میکنم که تا بحال هر چه شده است بواسطه مسامحه دولت بوده است ولی امیدواریم انشاء الله بعد از این تمام قوانین ما در این مورد و سایر موارد دیگری که قانون داریم بموقع اجرا بیاید و اما راجع باین تقاضای آقایان وزراء این تقاضا صریحاً نقض سه اصل از قانون اساسی میکند یکی اصل هفتاد و یکم متمم قانون اساسی که مرجع رسمی نظامات عمومی را دیوان عدالت عظمی قرار می دهد دریم اصل هفتاد و هفتم که معنا کمه تقصیرات سیاسی و مطبوعات را می بیند و مجرمانه بودن آنها با اتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه راجع میکند سوم اصل هفتاد که شاهزاده محمدشاه میرا هم تصریح کردند که حضور هیئت منصفه را در موقع معنا کمه لازم شمرده است حال هیئت دولت از معنا کمه معنا کمه که سه اصل از قانون اساسی را در اینجا نقض میکند و این لایحه هم چنانچه عرض کردم از اختیار ما خارج است و اختیار آنرا نداریم ثانیاً باید دانست که عقاید مغفین قوانین اساسی راجع بقوانین و معنا کمه اداری مختلف است بعضی از آنها که من جمله مرا سویها هستند قوانین و معنا کمه اداری را در قانون اساسی خود ذکر کرده اند و آنها برقرار کرده اند و بعضی دیگر از قبیل بلژیکیها و امریکاییها و امثال آنها بکلی بر ضد معنا کمه اداری هستند و مرجع رسمی کلیه نظامات را معنا کمه عدلیه قرار داده اند و چنانچه عرض کردم قانون اساسی ما بیرونی از عقیده ثانوی کرده است یعنی قوانین و معنا کمه اداری را بکلی منکر و عدلیه را مرجع نظامات دانسته است و فقط قانون اساسی ما را برای یک وزارت خانه معنا کمه اداری قابل است که آن وزارت جنگ است آنها هم از برای حفظ سیستمین و نظامات جنگی و در ماده هشتاد و هفتم تشکیل معنا کمه نظامی را در تمام مملکت لازم دانسته است و از این رو معلوم میشود که فقط قوانین اداری و معنا کمه اداری را قانون اساسی فقط به یک وزارت خانه می دهد آقایان فرمودند که تا عدلیه منصفه نشود نمیتواند اجرای قانون مطبوعات را از اذیت داشته باشند بنده عرض میکنم که بنده هم در وزارت علوم محکمه اداری و قانون اداری سراغ ندارم این معنا کمات مطبوعات را در اینجا بعمل بیاورند و این را هم بکفندی خارج از جاده عملیات آقایان وزراء میدانم و بکفندی کار خودشان را مشکل میکنند برای این که آنوقت که میخواهند صرف تأسیس یک محکمه موقتی در وزارت علوم و نوشتن چند ماده از برای اصول معنا کمات موقتی بکنند در همان وقت همین میتوانند اینکار را در عدلیه بکنند و یکی از معنا کمه آنجا موقتا طوری بکنند که موافق باشد با ترتیب قانونی که هم مقاصدشان بعمل آمده باشد و هم کار خودشان را هم مشکل نکرده باشند و در این ضمن نقض صریح سه اصل از اصول قوانین اساسی و جلوگیری از جریان قانون مطبوعات و آزادی آنها سهلتر باشد و جمع همین این مطالب را بر تریبی که عرض کردم آقایان وزراء می توانند در مدت خیلی کمی نایل بشوند آنوقت وقت خودمان را بیش از این بذکر اصول قوانین

کار خودشان را آسان می نمایند پس بنده همین ملاحظاتی که عرض کردم رد میکنم این ماده چهارم از مقدمه پروگرام آقایان وزراء را و تصویب نمیکم.

مقنن السلطنه - چیزی که از تمام این مذاکرات معلوم می شود این است که آقایان محترمی که در اقلیت هستند مایل هستند بموجب قولی که داده بودند بعد از آن از این کرسی نطق استفاده بکنند این راه می پسندیم و قابل تحسین است ولی امیدوار هستم در این نوع کارهایی که پیش می آید آقایان فقط نظریات خودشان را در همان مطالب بگویند و از فلسفه قوانین یا فلسفه مواد که میگذرد مذاکره نکنند و مخصوصاً اصول قوانین اساسی سایر جاهارا از برای امثال بیاورند نماینده محترم آقای وحید الملک معلوم است خیلی زحمت کشیده اند برای اینکه در این چند روز

چنانچه خودشان هم فرمودند علاوه بر اینکه قوانین اساسی ما را حفظ کرده اند قوانین اساسی اغلبی از دول اروپا هم حفظ کرده اند ولی اطمینان می دهیم که هیچکدام از آنها مربوط به این موضوع نبود و موادی را که در اینجا نوشته شده است البته محدود خواهد بود بقوانین اساسی خودمان لکن چیزی که خیلی جای تعجب است این است که در تمام این مدت ما این قوانین اساسی را داشتیم و گمان میکنم که اگر یکی از مواد پروگرامی که به کابینه قبل داده شد اگر خوانده شود همین اختیارات فوق العاده بود و اینجا هم رأی داده شد و حال اینکه ممکن بود در آنجا همین اشکالات بشود و آن همین ماده چهارم از پروگرام آن کابینه است که اختیارات بکابینه قبل داده اند و آقایان رأی داده اند و اگر بخواهند اسامی آنها را بنده می خوانم ماده چهارم از مجامع و مطبوعات که موجب فساد باشد بقوه قهریه جلوگیری خواهد شد این ماده را در اینجا توضیح می کنند و رأی می دهند و قوانین اساسی را فراموش می کنند و در این موقع می خواهند قانون اساسی را بموقع اجرا بیاورند - در هر صورت بنده گمان این است که اگر چنانچه پیش از این داخل در این مذاکرات شده متوسل بقوانین اساسی نشویم بهتر خواهد بود و الا چنانچه بخواهیم مذاکرات کنیم شاید بعضی مطالب باشد که راجع به این موضوع نباشد ولی غیر مستقیم مربوط به این کار باشد و مذاکره آنها باعث تضییع وقت مجلس بشود چنانچه در سر سه کلمه علی ای نحو کان آنان یک ساعت است که در اینجا مذاکره می شود و آنان قانون مطبوعات اگر اجرا بشود بموقع اجرا بیاید صحیح است که جلوگیری از خیلی مفاسد خواهد شد ولی در اجرای آن چنانچه به تجربه گذشته با ما می آموزد ثابت میشود که معنا کمه عدلیه شایستگی و لیاقت رسیدگی به این امر را ندارد و اگر میگویند تا اصلاح عدلیه بعمل بیاید جرایم بکلی توقیف بشود یا این که مختار باشند و هیچ وجه از تعدیات آنها جلوگیری نباید کرد این هم یک مطلبی است که گمان نداریم آقایان نگویند پس حق مقصود واقفاً جلوگیری از تعدیاتی است که از بعضی از صاحب قلمها ناشی می شود و بهتر این است که در این باب بیش از این مذاکره نکنیم و وقت خودمان را بیش از این بذکر اصول قوانین

اساسی خودمان و قوانین اساسی دول اروپا بپسندیم .
رئیس - گمان می کنم که مذاکرات بقدر کافی بعمل آمده است .
(گفتند کافی نیست)
رئیس - رأی میگیریم .
آقایانی که مذاکرات را در این ماده کافی می دانند و تصویب می کنند که از این ماده بگذریم و داخل در پروگرام بشویم قیام نمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - به اکثریت (۴۹) رأی از هفتاد و شش نفر تصویب شد . حال شروع می کنیم بمذاکره در مواد پروگرام

[پروگرام]

ماده اول - اتخاذ و سایر لازم برای تکمیل امنیت .

سلیمان میرزا - این ماده اول پروگرام

است - اگر آقای مقنن السلطنه بهد از این بخوانند اقلیت را از حرف زدن مانع بشوند عرض می کنم

اتخاذ و سایر لازم برای تکمیل امنیت این بعینه یک مطلب عمومی و مهمی است مثل مواد انتلافیه

بلوک از مواد انتلافیه بلوک هیچ نمی شود حقیقتاً یک مطلب مستقیم صحیحی استفاده کرد قابل همه نوع تأویل و تفسیر است چنانچه بیخوانی دانم آیا مقصود از این عبارت که تقریباً مثل آن هفت ماده

پروگرام بیست ماده ائتلاف می ماند که یک چیزی است مبهم و یک مطلب مستقیمی از آن بیرون نمی آید

چیز است آیا اتخاذ وسائل لازم برای تکمیل امنیت بهد از آن که تمام مواد مخالف مشروطیت و مانع جریان امور دولت بطوری که در مقدمه ذکر شده که مواد فساد را تماماً بحسن کفایت بر داشتند و هیچ اشکالی باقی نمی ماند و مجازات در موارد جنحه و جنایات و تقصیر بهر قسم که لازم بود دارند و آزادی

جرایم را بموجب همان مواد و یک ماده دیگر که آقای وحید الملک فرمودند از حقوق ملت است که هیچ فردی از افراد ملت از محکمه به محکمه دیگر نمی توان برد اما حالا داریم می بینیم که عدلیه به محکمه موهو - بهد از آن که این راهم گرفتند و در باب جرایم نتوانستند اعمال وزراء راهیج نقیدی بکنند پس تمام این کارها را کردند از مقدمه خلاص شدیم رسیدیم به اصل مقصود بهد از آنکه همه اینکار ها را به مبارکی و میمنت هیئت کابینه کرد آن وقت چه لازم دارد کابینه اتخاذ وسائل لازم برای تکمیل امنیت بنده می خواستم بدانم اولاً مقصود از این ماده چیست و آنوقت بهمم موافقم یا مخالف زیرا که هنوز هیچ نمی فهمم .

وزیر داخله - بنده هیچ گمان نمی کردم

که در باب این ماده اول پروگرام یک نفر از نمایندگان محترم خودشان را زحمت بدهند و بیایند پای تریبون این ماده خیلی سهل است و ساده اما ممتون شدم که توضیح خواستند تا اینکه اسباب دفعه خاطر هیچیک از آقایان نباشد بعد از آن که آن چهار ماده در مقدمه ذکر شد که آن چهار ماده را کابینه لازم داشت که پروگرام اجرا شود آنوقت

داخل شدند در حقیقت بعملیات اتخاذ و سایر لازم برای تکمیل امنیت این هیچ پوشیده و پنهانی ندارد و سبیل که به آنها می شود امنیت را بر قرار کرد آن چیست و قشون است امنیت است در راههاست شون در موردی که دولت لازم بداند حفظ امنیت بشاید تکمیل امنیت خواهد کرد بتوسطه اشخاصی که بتوانند از همه خدمت بر آیند

رئیس - مخالفی نمی بینم می گذریم بماده دوم .

ماده دوم - تشکیل اردوهای سیار و ساخو در نقاط لازمه مطابق لایحه و بودجه که بمجلس پیشنهاد شده است .

سلیمان میرزا - همین قدر می خواستم

عرض کنم که این جزومه اول است چیز اندی نیست **وزیر داخله -** اما چون اهمیت کلی دارد این مسئله قشون و مرکب است از ساخلو و سیار و برای اینکه معلوم شود که کابینه جدید یک اعتنای مخصوصی خواهد داشت باین کار امنیت که در یک ماده دیگری آنرا گذاشت .

رئیس الوزرا - پیشنهاد هم شده بود .

ماده سوم - حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متجابه .

سلیمان میرزا - البته حفظ و روابط حسنه

با دول متجابه چیزی است که باید در پروگرام وزراء باشد و هیچکس هم با این مخالف نیست و لکن در آن تشدید مبانی اتخاذ بنده اشکال داشتم و توضیح می خواستم و بملازه این موقع را مقتنم و مناسب می دانم که پوالتیک اقلیت را برض آقایان برسانم هر چند که این مطلب را در آن نطق افتتاحیه عرض کرده ام ولی در مجلس نخواندم برای اینکه وقت مجلس را تلف نکرده باشم بهیئت رئیس تقدیم کردم که در جرایم طبع شود ولی چون هنوز بطبع نرسیده است عین همان را نوشته ام و می خوانم تا اینکه معلوم شود بهد از چند کلمه نسبت بروابط خارجه همیشه دو قسم بلتیک ممکن است فرض کرد یکی بلتیک استقامتی یکی بلتیک مجبوییت و حالا برای بلتیک حزب انل این چند نظر را که نوشته ام میخوانم بدقت کلمه بکلمه بنده میخوانم و آقایان تند نوسان هم بدقت بنویسند معلوم است که امروز موقع سیاسی مملکت ما بچه اندازه باریک و چشمهائی که از اطراف آن دوخته شده

است بجه انداز هر صی است در مقابل این حرص و طمع و با وجود باربری موع پلتیک فرقه ما نسبت بخارج پلتیک استقامت و ندادن حقوق خود از دست و تسلیم نشدن به مستعصبات غیر حقه و مطالبه کردن از دیگران که با ما مثل آنها و مثل ملل مستغلب رفتار نمایند و جد کردن در رفع تخلفات آنها بدست خود ملت و بهر وسیله که وجدان ملت آن را روا بیند عقیده ما بر آن است که ایران باید اگر نی تواند که بجه عدم وسائل و اسباب آن مقاصد خود را از پیش ببرد اقلان باید که چنان مغلوب رهبر گردد که خود بطبیع خاطر حاضر برای تسلیم دیگران گردد - همین است پلتیک اقلیت در موضوع روابط خارجی

حاجی عز الممالک این مسئله اگر چه کوباندا کره نداشته باشد آقای وزیر امور خارجه خوب می توانند جواب بدهند و هم مختصر می توانم عرض بکنم که این ماده که اینجا نوشته شده هیچ نکت مرهوبیتی نداشت و به این دلیل نیست که گفت که چون استقامت داریم از یک کابینه دیگری مرهوبیت داشته باشیم و البته آنطور که در پروگرام هیئت ائتلافیه این مسئله بوده است هیئت کابینه باید مقاصد آنها را تعقیب نمایند و در باب آن اظهاری که فرمودند که مواد ائتلافیه بهم بود گمان نمی کنم ابهامی داشته باشد البته پلتیک استقامتی هیچ مرهوب نیست که مرهوبیتی در مقابل داشته باشد

سلیمان میرزا - این محقق است و همه میدانند که اثبات چیزی نفی چیز دیگری را نمی کند این هیچ مانع از این نخواهد بود که کابینه ای که به اکثریت تشکیل شده است پلتیک استقامتی نداشته باشد

وزیر امور خارجه - بنده در این باب البته رأی و اظهار شاهزاده سلیمان میرزا را تصدیق می کنم هر دولتی باید برای حفظ حدود و حقوق خودش استقامت داشته باشد اما این نکته را باید ملتفت بود که استقامت در یک مسئله سوء احتمال نباید بشود کار را بجای رساند که این ادهای استقامت روابط رضایع کند البته هر دولتی باید حق خودش را بگیرد و حق دیگران را بشناسد ما ما اگر بخواهیم حق دیگران را نشناسیم حق خودمان را هم نمی توانیم بگیریم منی استقامت را شاید تصور کرده اند که برای حق خودمان استنادگی بکنیم و برای دیگران یک حق تصور کرده اند و حال آنکه اینطور نیست ما وقتی که بخواهیم استنادگی بکنیم برای یک حق لابد دیگران هم استنادگی نمی کنند برای حق ما و ناچار اسباب یک زحمات بزرگ طولانی خواهد شد پس این است که استقامت در حق مملکتی از این باب خیلی مقدس است و باید تمام ملت به آن نیت حاضر و عازم باشند و لکن بطوری که آن نیت عافانه و با ملاحظه اطراف و با حسن مناسبت بکاربرد نه اینکه بیکطوری بشود که منجر بزحمات بزرگ و بجای این که بخواهیم خیالی بود انجام بدهیم مقاصد و مهمات فعلی خودمان را بر باد بدهیم اینطور نباید باشد پس این مسئله را بنده هم تصدیق دارم و این که

امروز در این پروگرام عرض شد و نوشته شده است که حفظ و تشدید روابط حسنه با دول متحابه این ملاحظه است که در تمام دول دنیا امروز محل کمال دقت نظر است کابینه های تمام دول مظمه با آن همه اقتدار و استقلال و عظمتی که دارند ساعتی در این که روابط خودشان را با دول تا آن اندازه ای که ممکن است دوستانه و نزدیک تر بکنند که بواسطه آن روابط بتواند بیشتر انتفاع ببرند پس این مسئله با آن نیست و اظهار شاهزاده سلیمان میرزا انشاء الله بالاتفاق که اعمال شود نتایج خیلی خوب خواهد داشت

ماده چهارم - تعقیب استراضی که کابینه سابق به مجلس پیشنهاد کرد و از تصویب کمیسیون قوانین مالی گذشته است

رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا در این باب اظهاری دارید ؟

سلیمان میرزا - عقیده خود را در وقتی که لایحه این مطلب به مجلس آمد عرض خواهم کرد ماده پنجم - پیشنهاد قبیه و دجه کل (اظهاری نشد) ماده ششم - شروع به اصلاحات مالی با مستخدمین خارجه

ارباب کیخسرو - چون در سابق در مجلس گذشت غیر از مالی برای بعضی ادارات دیگر مستخدمین خارجه بخواهند و آنچه بنده نگاه میکنم اینجا فقط برای اصلاح مالی مستخدمین خارجه خواهند آورد خواستم توضیح بخواهم علت اینکه در هیچیک از موادی که ذکر شد در مقدمه و اینجا چرا اسمی از مستخدمین خارجه نبردند

وزیر داخله - اینکه در ماده اول گفته شده است اتخاذ سائل لازم برای تکمیل امنیت البته اداری که به اسم نظمی و امنیه و غیره در مملکت نیست باید در مملکت دایر باشد و البته شروع به اصلاحات این دو اداره نظمی و امنیه بوسیله اشخاصی که از فرانکستان خواسته شدند خواهد بود اینرا زائد دانستم که عرض کنم برای آنکه اگر مقصود فقط به این بود که در مملکت یک نظمی و امنیه داشته باشیم که حالا داریم ولی برای تکمیل آنها البته وسایل اینرا لازم خواهد داشت و البته با آنها شروع به اصلاحات خواهد شد

ماده هفتم - تجدیدنظر در مالیات نامک محض رفع معایب و مشکلاتی که از این مالیات بردولت و اهالی حاصل شده است

سلیمان میرزا - بنظر بنده در موضوع مالیات نامک چنانچه از طرف فرقه پیشنهاد کرده اند بحدف است نه بتجدید نظر بنا برین مخالف هستم در عمل مالیات یعنی اگر یک تخفیفی در آن داده شود یا اصلاحی در آن شود بنده حزب دموکرات تقاضای حذف این را کرده ام و پیشنهادی هم در این باب تقدیم شده است

حاج عز الممالک - اینجا بنده تعجب میکنم که معادنی که مال دولت است چطور مالیات آن حذف شود یک مالیاتی وضع شده است حالا میخواهند یک تجدید نظری بکنند در این صورت همین ماده صحیح خواهد بود نه حذف

سلیمان میرزا - ایشان حذف را تصور کرده اند که ملک دولت را که نمک باشد بگیرند بنده حذف انحصار و در ترتیب فروش او را عرض کردم والا

معادنی که مال دولت است اختصاص باو خواهد داشت و چیزی که دولت دارد مثل چیزی است که سایر ملاکین دارند

رئیس - در این باب گمان نمی کنم پیش از این مذاکره لازم باشد ماده هشتم فرات می شود ماده هشتم - تشکیل هیئت مخصوصه برای تدارک لوایح قوانین موقتی در مواردی که هنوز وضع قانون نشده و مجال انتظار گذشتن قوانین از مجرای خود نیست

لوایح مزوره فقط بصوب کمیسیون مجلس شورای ملی و هیئت وزراء و امضای مقام منبع نیابت سلطنت عظمی خواهد رسید

(بقای این هیئت تا وقتی است که شورای دولتی دایر شود)

فهم الملک - بنده با مدلول این ماده مخالفت ندارم ولی بایک جزو آن مخالف هستم اینکه قید شده است لوایح مزوره بصوب کمیسیون مجلس شورای ملی خواهد رسید اینرا بنده اینجا زیاد میدانم زیرا کمیسیون چیزی است موقتی هر روز تغییر و تبدیلی پیدا میکند و از این گذشته از مدت دره تقنینیه چیزی باقی نمانده است و پس از چند ماه منقضی میشود و ما انتظار داریم که وزراء تا یک مدت مدیدی یعنی تا دوره آتیه مشغول کار باشند و ممکن است بین دو دوره تقنینیه مدتی طول بکشد و برای تصویب کردن قوانین و دک کردن وزراء کمیسیون نباشد همیشه قوانین باید وضع و اجرا شود در حال اگر هم باشد کمیسیون مرکب است از پنج شش نفر از اعضای مجلس اینکه پنج شش نفری بنشینند در خارج و رأی بدهند نمیتوان مربوط به مجلس دانست مجلس وقتی میتواند مطلب را تصدیق بکند که در مجلس علنی باحضور تمام و کلاه با اکثریت تصویب شود در این صورت تصویب کمیسیون مجلس شورای ملی یک زحمت فوق العاده ای خواهد بود

چنانکه معمول همین است اشخاص که بجای شورای ملی معین کرده اند بترتیب موقتی بنویسند و بصوب آقای نایب السلطنه برسانند و امضاء بفرمایند کافی است از برای آنکه حکم یک قانون موقتی را داشته باشد تا وقتی که قانون دائمی او بترتیب لازم از تصویب مجلس بگذرد بلاوجه هیئت شورای ملی دولتی و هیئت وزراء همیشه میتوانند چیزهایی بعنوان (دیگر) فرمان همایونی خودشان تصویب کنند و اجرا بشود

وزیر عدلیه - این ایرادی که آقای فهم الملک در باب قوانین موقتی و اینکه تصویب کمیسیون لازم نیست فرمودند در خود مجلس وزراء هم مذاکره شود ولی نظر باینکه این قوانین امروزه باید بیکطوری ترتیب بشود که فی الواقع قائم مقام قانون باشد و برای اینکه بیشتر محل توجه شود و بیشتر در وقت اعمال آن قوانین یا لوایح آن قوانین دقت بشود مجلس وزراء اینطور تصویب کردند که یک هیئتی لوایح قانونی آن را تصویب بکنند و یک هیئتی دقت بکنند در آن لوایح بجهت اینکه شکی نیست و بتجربه رسیده است که یک لایحه را که هیئتی تشکیل بدهد هر طور باشد خودش طرفدار آن لایحه میشود و نمی تواند که در آن لوایح نظر بیطرفانه و آن دقتی را که لازم است بنماید و از طرف دیگر یک ملاحظه دیگر هم داشتیم برای اینکه میدانیم آقایان نمایندگان محترم که تقریباً هجده ماه است که مشغول اینکار و قانونگذاری هستند و تجربه و بصیرت پیدا کرده اند بیشتر صلاحیت این امر را دارند تا اینکه ما

در اداره دیگری يك هیئتی را تشکیل بکنیم که دقت در آن قوانین بنمایند و ما می توانیم بدون اینکه بخودمان زحمتی بدهیم بایک هیئتی بیاریم که برودجه دولت يك مبلغی خرج افزوده شود از بصیرت و تجربه نمایندگان استفاده کنیم و یک ملاحظه دیگر این جا هست راست است که همین طور که آقای فهم الملک فرمودند يك قسمتی از این لوایح موقتی نظامنامه هائی است که در سایر جاها مشهور است به [دکور و رنگمان] که آنها را خود شورای دولتی بایهت وزراء مرتب بوقع اجرا می گذارند یعنی نظامنامه هائی که برای جزئیات قانون لازم است ولی بنده این جا عرض کردم و هم چنین نقطه نظر آقایان وزراء و رفقای بنده همین است که ما در این خصوص با احتیاط رفتار بکنیم همچنان تجربه هائی که در این مدت کرده ایم تمام ثابت می کند که باید تا در این مسئله با کمال احتیاط رفتار بکنیم علمی بخصوص تجربیات این چند وقت اخیر یعنی از يك سال بآن طرف آن تجربیات با مدال می کند که باید یک طوری رفتار بکنیم که سوء استعمال از این جهت نشود اگر بنا باشد که نظامنامه ها در خود وزارت خانه ها ترتیب بشود با تغییرات کابینه این نظامها تغییر خواهد کرد و امروز عقیده بنده اینست که ما هیچ قانون نداشته باشیم بهتر از این که یک قانون بنویسند و زود بزود تغییر کند بجهت اینکه تا اشخاص و آحاد و افراد مردم بخواهند عادت بکنند به یک قانونی یک ترتیب دیگری روی کار خواهد آمد چنانچه نظیر این دیده شده برای جلوگیری از این ترتیب لازم است که این نظامنامه ها هم در يك هیئتی تفهید شود و بعد از این که از مجلس شورای ملی و تصویب وزراء گذشت برود بمقام نیابت سلطنت بگذرد تا اینکه رفع این مشکلات را بکنند و این راهی ندارد مگر اینکه همان طوری که اینجا نوشته شده است و لوایح قانون موقتی هم طی مراحلی که معین است بکنند تا قانون موقتی بشود نظر باین چند نکته ای که عرض شد این ترتیب راهبیت وزراء اصلاح میدانند و همین جهت است که در این ماده اینطور قید شده است

سلیمان میرزا - بنده هم همان اشکال آقای فهم الملک را داشتم چون ایشان فرمودند محتاج به تکرار نیست

رئیس - مخالف دیگری نیست برود بماده هم مواد هم و دم بترتیب ذیل قرائت شد (و اظهار مخالفتی نشد)

ماده هم - اصلاح عدلیه یا تدارک ترتیبات مقدماتی که لوایح آنرا وزیر عدلیه موافق ماده (۸) این پروگرام به کمیسیون عدلیه پیشنهاد خواهد کرد

ماده هم - اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه موجوده حتی المقدور اجرای پروگرام متحد در کلیه مدارس و تأسیس مدرسه دارالمعلمین در تهران مطابق پیشنهادی که خواهد شد

ماده یازدهم - توجه به امر تجارت گذراندن قانون شرکت ها - پیشنهاد لایحه قانون اطاق های تجاری

مشیر حضور - بنده گمان میکنم که در مشروطه صغیر لایحه قانونی اطاق تجارت گذشته بود

از وزیر تجارت سئوال میکنم که اگر آن قانون را دارند که دیگر محتاج نیست به اینکه قانون دیگری پیشنهاد کنند

وزیر داخله - آن قانون در آنوقت پیشنهاد شده بود در مجلس بود و آقای رئیس هم آن وقت وزیر تجارت بودند و تصور میکنم که هنوز رسمیت قانونیت پیدا نکرده یعنی بصره همایونی نرسیده بود و در هر صورت آن قانون سمت قانونیت پیدا نکرده است حاله این آن لایحه یا لایحه دیگری پیشنهاد خواهند کرد

رئیس - همین طور که آقای وزیر داخله فرمودند لایحه ای بنده به مجلس پیشنهاد کردم و از مجلس گذشت ولی بصره نرسید و بعد هم آن قانونی که گذشته بود بدست نیامد حالا باید هیئت وزراء يك قانون دیگری پیشنهاد کنند

ماده دوازدهم - پیشنهاد اصلاح قانون بدلیه

رئیس - مخالفی نیست مذاکرات در باب پروگرام وزراء تمام شد حالا تمام آن رأی بگیریم چند نفر از آقایان تقاضا کرده اند که رأی علنی باید به او راق گرفته شود اسم ایشان را بنده میخوانم :

حاجی عز الممالک - آقای میرزا رضای مستوفی - آقای آدینه محمد خان - آقای معاضد الملک - حاجی شیخ اسدالله - لواء الدوله - بهجت - معاضد السلطنه - حاجی سید ابراهیم - آقای میرزا اسدالله خان موافق نظامنامه داخلی باید رأی علنی به اواق گرفت

آقایانی که با این لایحه ای که از طرف هیئت وزراء پیشنهاد و مذاکره شده است موافق هستند ورقه سفید آقایانی که مخالفند ورقه آبی خواهند انداخت

هشترودی - در مسئله آن شرطیکه کردم اگر وزراء جواب ندهند بنده نمیتوانم رأی بدهم

رئیس - دیگر آمدن مذاکرات تکرار نمیشود

رئیس الوزراء - جواب شمارا داده اند

هشترودی - پس بنده نبودم

اوراق رأی اخذ و آقای حاجی میرزا رضاخان احصاء نمودند

معاضد الملک - عدد حضار (۷۲) ورقه سفید علامت قبول (۴۷) ورقه آبی علامت رد (۱۷) امتناع (۹) اسامی اشخاصی که تصویب کرده اند :

دکتر حاج رضاخان - دکتر علی خان - حاجی شیخ علی خراسانی - رکن الممالک - حیدر میرزا معاضد الملک - آقای میرزا ابراهیم خان - فهم الملک - معاضد السلطنه - حاجی سید ابراهیم - حاجی میرزا رضاخان - معین الرعایا - آقا عبدالحسین بروجرودی - حاجی عز الممالک - مرتضی قلیخان بختباری - حاج آقا - انتظام الحکماء - حاجی سید نصرالله - حاجی امام جمعه - شبانی - آقای میرزا ابراهیم قمی - دکتر اسمعیل خان - سردار اسعد - معزز الملک - آقای میرزا رضای مستوفی - مشیر حضور - آدینه محمدخان - ادیب التجار - حاجی مصدق الممالک - حاجی شیخ رئیس - آقای طباطبائی - آقای میرزا اسدالله خان - افتخار الواعظین - آقا محمد بروجرودی - حاجی شیخ اسدالله

هشترودی - دهخدا - آقای میرزا مرتضی قلیخان دکتر امیرخان - آقا شیخ علی شیرازی - معین السلطنه حاجی محمد کریم خان - آقا سید حسن مدرس - لواء الدوله - آقا شیخ حسین یزدی - کاشف - معتمد التجار

اشخاصی که رد کرده اند :

آقا شیخ غلامحسین - منتصر السلطان - آقا میرزا احمد - علی زاده - آقا سید حسین اردبیلی - آقا سید جلیل - آقا سید حسین کزازی - وحید - الملک - آقا سید محمد رضا - سلیمان میرزا - آقا شیخ ابراهیم - محمد هاشم میرزا - ابوالقاسم میرزا - آقا شیخ رضا - آقای میرزا داود خان - ضیاء الممالک - نجم آبادی

رئیس - با اکثریت چهل و هفت رأی از هفتاد و سه نفر نمایندگان تصویب شد در جلسه گذشته در باب دستور اشکالی پیش آمد که منجر به رأی شد چون عده کافی نبود موقوف شد جلسه امروز که عده کافی شود اولاً تقاضای سلیمان میرزا راجع باجاره خالصات تقاضا میکنند که در دستور جلسه شنبه یا سه شنبه گذاشته شود پس باید رأی بگیریم

فهم الملک - بنده تصور میکنم که این مسئله اگر باشد تا وقتی که وزیر مالی برود سر کار و با اطلاعات جدید مجدداً بیایند در مجلس و مذاکره شود بهتر است عجلتاً قوانینی که داریم اگر آنها بگذرد بهتر است

سلیمان میرزا - حالا که وزیر مالی اینجا تشریف دارند اگر محتاج باشد بتجدید نظر خوب است خودشان بفرمایند

وزیر مالی - بنده عقیده ام این است که حالا زود است این را بنده مطالعه میکنم و با نظرات مجدد پیشنهاد خواهم کرد

رئیس - نائباً تقاضای آقای حاجی سید ابراهیم بر برای اخذ سوار از ایلات برای چه روری تقاضا می فرمایید

حاجی سید ابراهیم - برای روز شنبه **معزز الملک** - بنده تصور میکنم که این مسئله اخذ سوار از ایلات هم همان حکم مسئله خالصات را دارد خوب است اینهم باشد تا وزیر جنگ یک مطالعات شخصی در اینکار بکند و مجدداً پیشنهاد بکند

رئیس الوزراء - وزیر جنگ بنده هم همانرا میخواستم بگویم

رئیس - ثالثاً تقاضای محمد هاشم میرزا در باب انتخاب کسر اعضای مجلس و کسر اعضای کمیسیون نظامنامه انتخاباتی آنچه راجع بانتخاب اعضای کمیسیون نظامنامه انتخاباتی است از شعبات قدیم باید معین بشود موافق نظامنامه داخلی پس از حالا اعلام میکنم که بعد از ختم جلسه علنی آقایان تشریف ببرند بقدر هفت هشت دقیقه در اطاق تنفس مشغول اینکار بشوند اما راجع بانتخابات کسر اعضای مجلس

محمد هاشم میرزا - بنده تقاضای خودم را در باب انتخاب آنها پس میکنم

رئیس - پس دستور جلسه شنبه و سه شنبه همان است که عرض کردم

مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد